

سیر تحولات تاریخی روش کیفی در علوم اجتماعی معاصر ایران

محمدسعید ذکایی^۱، محدثه امیری مقدم^۲

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۰/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵)

چکیده

تشریح سیر تحولات روش‌شناسی راهی برای درون‌کاوی و فهم اثرات متون تاریخی و اجتماعی و سیاسی بر توسعه دانش اجتماعی و سیاست‌های مربوط به آن است. روش‌شناسی از زمینه و متن اجتماعی و تاریخی و فرهنگی هر جامعه تأثیر می‌پذیرد و هم‌زمان بر آن تأثیرگذار است. مقاله حاضر با اتکا به تحلیل مطالعات و پژوهش‌های میدانی مربوط به شکل‌گیری علوم اجتماعی مدرن در ایران، به دنبال ردیابی تحولات گونه‌ی کیفی پژوهش اجتماعی به مثابه ژانری در هم تنیده با سنت‌های ادبی در تاریخ معاصر ایران است. استدلال اصلی بر این است که تحولات روش‌شناسی متأثر از فرآیند تفکیک اجتماعی و مواجهه با دستاوردهای علوم انسانی غربی و سیاست‌های علم در دانشگاه و بیرون از آن رقم خورده است. از سوی دیگر پیچیدگی و چند لایه بودن منطق و ماهیت تحولات روش‌شناختی در علوم انسانی، توجه به ریشه‌های تاریخی متنوع آن را ضروری می‌سازد. مقاله با ارزیابی اجمالی از دستاوردها و موقعیت پژوهش کیفی در ایران، اهمیت همسویی آن با نیازها و واقعیات متن اجتماعی جامعه ایرانی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: پژوهش کیفی، تاریخ روش‌شناسی، تقابل کمی و کیفی، سیاست علم،

بازاندیشی روش‌شناختی

^۱ استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) saeed.zokaee@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی f.amirimoqaddam@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

پژوهش اجتماعی در ایران برخلاف غرب که وامدار سنتی طولانی از تجربه‌گرایی و نیز سنت‌های فلسفی پشتیبان نگاه تفسیری و کیفی به آن در قرون ۱۸ و ۱۹ بود، اساساً با صورت‌های اولیه‌ای از رویکرد کیفی و به بیان دقیق‌تر نسخه‌های ساده و غیر پیچیده‌ای از مردم‌نگاری آغاز شد. سنت مردم‌نگاری در غرب نیز عموماً خاستگاه اولیه پژوهش کیفی به شمار می‌آید و تأکید شارحین کلاسیک مردم‌نگاری کارکردگرا بر فرهنگ و زبان مؤید آن است (یوانوویچ^۱، ۲۰۱۱: ۵). از آنجا که انسان‌شناسان فرهنگی، از ابزارهای مشاهده و مصاحبه و جمع‌آوری اسناد برای مطالعه آداب و رفتارهای فرهنگی استفاده می‌کنند، طبیعی است که در ایران نیز سنت اتنوگرافیک نقطه آغاز به‌کارگیری روش تحقیق کیفی باشد. عمده مکاتب انسان‌شناختی جدای از رویکردهای نظری مختلفی که دارند در تأکید بر مشاهده مشارکتی اشتراک دارند و نظریات و مکاتب این سنت عموماً بر پشتوانه مطالعات میدانی استوارند. برای مثال اندیشه‌های کارکردگرایی مالینوفسکی^۲ نشئت گرفته از کارهای میدانی او در [جزایر] تروبریاند^۳ هستند یا اثر مارگارت مید^۴ در ساموآ به نحوی نظریه خود را به نسبت تجربه‌ای که در کار میدانی داشته‌اند، تدوین و سازماندهی کرده‌اند (پواریه، ۱۳۷۰).

مطالعات اولیه مردم‌نگاری در ایران پیش از تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در دانشگاه تهران (که زمینه‌ساز ورود و نهادینه شدن آکادمیک پژوهش‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی در ایران بود)، تا اندازه‌ای همچون تاریخ مشابه خود در غرب توسط ادیبان و روزنامه‌نگاران و شاعران انجام گرفت. استفاده از داده‌های کیفی (مفاهیم و مقولات)، توجه عمده به چرایی وقوع پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی، تأکید بر وجود انسان و معانی و مفاهیم مورد توجه او و تأکید بر رابطه متقابل میان محقق و موضوع مورد تحقیق، از جمله ویژگی‌های تحقیق کیفی است (مارشال و راس‌من، ۱۳۸۱: ۲۶). پژوهش کیفی با تمرکز بر برش‌هایی از محتوا و خصوصیات درونی پدیده‌ها، بازنمایی کیفی (غیر آماری) از آنها را با زبانی مفهومی و روایی دنبال می‌کند.^۵ اولویت این دسته پژوهش‌ها فهم و تفسیر جهان

^۱. Gordana Jovanović

^۲. Bronisław Kasper Malinowski (1884—1942)

^۳. Trobriand

^۴. Margaret Mead (1901—1978)

^۵. تردیدی نیست که حتی پژوهش‌های کمی و اتکا به شمارش‌گری و استفاده از منطق اعداد نیز به نوعی بازنمایی محسوب می‌شود. بر این اساس داده‌ها چه از نوع اولیه (که با کیفیات آنها سر و کار دارد) و چه ثانویه (که با نامگذاری و کدها انعکاس می‌یابند) در همه حال برساخت محسوب می‌شوند و همواره ما بازنمایی از آنها را ارائه می‌کنیم.

اجتماعی در کلیت آنها و با توجه به متن و میدان اجتماعی مربوط به آنهاست. بسیاری از متونی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، گرچه توسط محققان و نویسندگان آنها مشخصاً به عنوان گونه‌ای از پژوهش‌های کیفی معرفی نشده‌اند، اما با ویژگی‌های برشمرده‌شده برای پژوهش کیفی انطباق دارند. نگاه کیفی به جهان اجتماعی تجربه و درک متفاوتی از نظریه‌ها، مفاهیم، جهت‌گیری‌های ارزشی، و مواضع معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی و اخلاقی و سیاسی پیش روی محقق قرار می‌دهد. مواضع و ویژگی‌های فوق همچنین پیوندی آشکار با متن و میدان اجتماعی دارد که پژوهشگران در آن فعالیت می‌کنند و ضمن تأثیرپذیری از این متن، متقابلاً بر آن تأثیر می‌گذارد.

بازسازی و تحلیل روند تحولات، فرآیندها، ساز و کارها، و نهادهای دخیل در تحول پژوهش‌های کیفی، علاوه بر روشنگری در خصوص نقش زمینه‌های اجتماعی در رشد علوم اجتماعی و بویژه تأملات روش‌شناختی در تاریخ معاصر ایران، در مواجهه بهتر با تولیدات پژوهشی این شاخه‌های علمی، و تلاش بیشتر برای انتخاب دستورکارها و طراحی‌های مناسب در روش‌شناسی کیفی و البته نقد و ارزیابی پژوهش‌های تولیدشده در این سنت راهگشا خواهد بود. پارادایم‌ها و استراتژی‌های پژوهشی لاجرم در پیوند با متن اجتماعی خود (جایگاه و شأن پژوهش، سیاست علم، سیاست دانشگاه، بوروکراسی‌ها و سیاست‌های سازمان‌ها و مراکز پژوهشی، اولویت‌ها و دستورکارهای پژوهشی، تمایلات و عادت‌واره‌های پژوهشی محققان، مبادلات آکادمیک درون‌مرزی و فرامرزی و بسیاری از زمینه‌های دیگر) قرار دارند. پژوهش و ابزارهای انجام آن تابع جغرافیای سیاسی و متن اجتماعی و تاریخی و سیاسی و فرهنگی هر جامعه به شمار می‌آیند. همچنین آثار پژوهشی پاسخگوی شرایط زمانی و مکانی و موقعیت سوزده‌های تولیدکننده آن هستند و خود می‌توانند بر متن و شرایط ساختاری و نهادین جامعه تأثیرگذار باشند. تاریخ فرهنگی نسبت تحولات علمی و اجتماعی در ایران و جهان (برای یک نمونه خوب نگاه کنید به قانعی راد، ۱۳۹۷) شواهد زیادی را پیرامون این وابستگی متقابل به دست می‌دهد.

با توجه به ملاحظات فوق و با اتکا به مرور و تحلیل آثار عمده پژوهشی اجتماعی تولیدشده (مقالات، متون داستانی، گزارش‌های پژوهشی، تک‌نگاشت‌ها، و مانند آنها) و نیز ارزیابی فعالیت مراکز و نهادهای درگیر در پژوهش اجتماعی کشور، در این مقاله به دنبال ترسیم سیر تحول پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی و هستیم. در این مقاله به‌ویژه به گونه موسوم به پژوهش‌های کیفی و شناسایی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر این تحولات در تاریخ معاصر ایران (قرن حاضر) توجه شده است. زیرا، ارائه تصویری اجمالی از تحولات روش‌شناسانه

پژوهش‌های کیفی، مجالی خواهد بود برای بازاندیشی بیشتر در فرصت‌ها و تنگناهای علوم انسانی ایرانی و ایجاد حساسیت نظری در میان علاقه‌مندان و متخصصان جهت اصلاح فرآیندها و سیاست‌های نهادین در مسیر کارآمد ساختن بیشتر چشم‌اندازها و ابزارهای روش‌شناختی.

از مردم‌نگاری فرهنگ عامه تا تک‌نگاری

برش‌هایی از سبک‌های پژوهش کیفی (همانند شرح حال‌نگاری) سابقه طولانی‌تر و ریشه‌های درون‌زایی در تاریخ و فرهنگ ایرانی دارند (اشرف، ۱۳۸۸؛ رئیس‌السادات، ۱۳۹۶؛ ذکایی، ۱۳۹۹). با این حال پژوهش کیفی در ایران نیز به سان تجربه غربی عموماً با مردم‌نگاری آغاز می‌شود. آثاری همچون کلثوم ننه یا عقایدالنسا از آقا جمال خوانساری^۱ که طی سده منتشر شده بود و مجدداً مورد توجه اذهان عمومی قرار گرفت، و نیرنگستان (هدایت، ۱۳۱۲) و ترانه‌های عامیانه (هدایت، ۱۳۱۸) از صادق هدایت^۲ اولین مطالعاتی هستند که اگرچه به شیوه علمی و مستندی که امروزه مد نظر روش‌های کیفی است گردآوری نشده و اغلب با قضاوت و داوری پیرنگ نویسنده نسبت به جامعه ایرانی همراه هستند، اما باب مطالعه کیفی در پرداخت به خلق و خوی ایرانیان و فرهنگ عامه را گشوده‌اند. در واقع مطالعات نقد و بررسی فرهنگ عامه در اوایل سده چهاردهم دنباله‌روی سنت سفرنامه‌نویسی در ادبیات ایران و نقد اجتماعی و مطالعه فرهنگ ایرانی بود که در این دوران پس از آشنایی برخی روشنفکران با مردم‌شناسان غربی رنگ و جلوه‌ای متفاوت پیدا کرد. به عنوان مثال اگرچه هدایت را نمی‌توان به معنای دقیق کلمه مردم‌شناس به حساب آورد، اما او تحت تأثیر مردم‌شناسانی همچون تایلور^۳ و مورگان^۴ بود و بارها از آنها در آثار غیر ادبی‌اش نام برده است.

صادق هدایت اولین کسی است که در ایران دست به پژوهش‌هایی جدی در فرهنگ و تمدن و آداب و رسوم ایرانیان زد. علاوه بر آن، آثار هدایت تا سال‌ها بر کار مردم‌شناسان ایرانی سایه انداخته بود. با آنکه در زمان هدایت از روش‌های کیفی همچون تحلیل مضمون اثری در میان نبود، اما او به‌کرات به تحلیل مضمون، مقوله‌بندی و تحلیل محتوای ضرب‌المثل‌ها، اشعار، متل‌ها، و قصه‌های ایرانی دست می‌زند. از این رو، آثار هدایت در زمینه فرهنگ عامه را می‌توان در زمره اولین پژوهش‌های کیفی در ایران به شمار آورد.

^۱. فوت ۱۱۲۵ هجری قمری

^۲. تولد ۱۲۸۱ فوت ۱۳۳۰ هجری شمسی

^۳. Edward Burnett Tylor (1832-1917)

^۴. Lewis Henry Morgan (1818—1881)

در کتاب نیرنگستان (۱۳۱۲) که موضوع آن فرهنگ عامه و فولکلور در ایران است، هدایت به بررسی خرافات و اعتقادات عامیانه ایرانیان در طیف متنوعی از مسائل روزمره همچون آداب و تشریفات زناشویی، برآمدن حاجت‌ها، خواب، مرگ، تفأل، دستورها و احکام عملی پرداخته است. دغدغه هدایت عقب‌ماندگی ایرانیان بود. او علت این عقب‌ماندگی را در خرافات و قرار گرفتن در معرض فرهنگ‌های مختلف می‌داند و در دیباچه کتاب می‌نویسد:

«سرزمین ایران علاوه بر اینکه چندین قرن تاریخ پشت سر دارد، مانند کاروانسرای است که همه قافله‌های بشر از ملل متمدن و وحشی دنیای باستان مانند کلدانی، آشوری، یونانی، رومی، یهودی، ترک، عرب و مغول پی در پی در آن بار انداخته و با آن تماس و آمیزش داشته‌اند. از این رو کاوش و تحقیق درباره اعتقادات عوام نه تنها از لحاظ علمی و روان‌شناسی قابل توجه است بلکه برخی نکات فلسفی و تاریخی را برایشان روشن خواهد کرد و پس از تحقیق و مقایسه این خرافات با خرافات سایر ملل می‌توانیم به ریشه و مبدأ آداب و رسوم، ادیان، افسانه‌ها و اعتقادات مختلف پی ببریم.» (هدایت، ۱۳۱۲: ۷).

او در ادامه با اشاره به آرای ادوارد تایلور در خصوص لزوم جمع‌آوری خرافات و بررسی فرهنگ عوام می‌گوید:

«امروزه در همه ممالک متمدن دسته‌ای از دانشمندان خرافات همه ملل دنیا را از ممالک متمدن گرفته تا قبایل وحشی آفریقا و استرالیا جمع‌آوری کرده‌اند و تشکیل صدها کتاب را می‌دهد. چنانکه پس از مقایسه و تطبیق آنها با یکدیگر یک رشته علمی تازه‌ای به وجود آمده که دانش عوام یا فولکلور می‌نامند. که در اغلب علوم مخصوصاً روان‌شناسی و تجزیه روح و تاریخ تمدن و تاریخ مذاهب و غیره خیلی طرف توجه علما می‌باشد ولی جای تعجب است که تا کنون آداب و رسوم و خرافات عوام ایران جداگانه جمع‌آوری نشده بود به استثنای مختصری در کلثوم ننه و آنچه در کتابها دیده می‌شود عبارت از بعضی خرافات است که مسافران اروپایی دروغ یا راست در کتاب‌های خودشان ضبط کرده‌اند.» (همان: ۱۴)

البته پیش از نیرنگستان، هدایت اوسانه را نیز در مهرماه ۱۳۱۰ در ۳۶ صفحه در تهران به چاپ رسانده بود. اما اوسانه همانند نیرنگستان توفیق عام نیافت. با این حال این رساله نیز درباره فولکلور و فرهنگ عامه به چاپ رسید. کتیرایی (۱۳۵۷) درباره این کتاب می‌گوید:

اوسانه در ۵ بخش به چاپ رسید که در بخش نخست، ۴۵ ترانه از «ترانه بچه‌ها» آمده است. در بخش دوم، ۹۵ ترانه از «ترانه دایه‌ها و مادران» جمع‌آوری شده است. بخش سوم به «بازی‌ها» اختصاص دارد. اتل متل توتوله، لی‌لی حوضک، کلاغ پیر، جمجمک و گرگم به هوا، بازی‌هایی هستند که آنها را توضیح داده است. «رمزها» بخش چهارم اوسانه است. آنچه به نام رمزها در اوسانه آورده شده، همان معماها و چیستان‌هایی هستند که بین بچه‌ها، به‌ویژه بچه‌های روستایی مطرح بوده، مایه‌های غنی دارند. بخش پنجم اوسانه ترانه‌های عامیانه است که او بعدها آن را در اثری مشخص ارائه کرد. (کتیرایی، ۱۳۵۷)

هدایت در شهریور ۱۳۱۸ در مجله موسیقی شماره ششم و هفتم مقاله «ترانه‌های عامیانه» را منتشر کرد. او در این اثر نیز دلیل گرایش خود به جمع‌آوری ترانه‌های فولکلور را اهتمام دیگر کشورها در این امر می‌داند. همچنین با تأکید بر اهمیت مضامین (که همواره آن را در روش کیفی مهم‌ترین عنصر پژوهش می‌دانیم) می‌گوید:

ترانه‌های عامیانه را می‌توان به‌آسانی از حیث مضمون سبک و روحیه
گوینده از سایر آثار موسیقی یا شعری تشخیص داد (هدایت، ۱۳۱۸: ۲۳).

بعد از هدایت برجسته‌ترین اثری که می‌توان گفت به واسطه اتکا بر اسناد و متون (هرچند محدود) و تلاش برای تحلیل و تفسیر نظام‌مند و منتقدانه و از درون به جامعه ایرانی، به قالب‌های سنت کیفی نزدیک می‌شود، کتاب خلیات ما ایرانیان (۱۳۴۵) جمال‌زاده است. سیدمحمدعلی جمال‌زاده^۱ در این کتاب تلاش داشته تا آنچه را از «اخلاق و اطوار ما از خوب و بد و زشت و زیبا»، «از قدیم‌الایام تا امروز» توسط دیگران ذکر شده جمع کند (جمالزاده، ۱۳۴۵: ۱۰). در دیباچه کتاب می‌خوانیم:

«فساد را در میان خودمان مرض مزمن قدیمی تشخیص داده‌ام که قرن‌های متمادی است در اثر استعداد سیاسی و مذهبی و خرافات و موهومات اجدادی و نیاکانی بر وجود ما استیلا یافته است و مانند هر مرض مزمن کهنه تا به اسباب و علل واقعی آن دست نیابیم محال است

^۱ تولد ۱۲۷۰ فوت ۱۳۷۶ هجری شمسی

که از عهده علاج آن برآییم و چنین کاری، کار امروز و فردا نیست و مقدمات عریض و طویل مفصل لازم دارد که اصلاح اوضاع و احوال و کیفیات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و تربیتی و متعدد گوناگون مستلزم آن است. در هر صورت در گفتاری که مستلزم این کتاب است خواسته‌ایم پاره‌ای از کیفیات این فساد را از زبان خودی و بیگانه نشان داده باشیم» (جمالزاده، ۱۳۴۵: ۵ و ۶)

این کتاب شامل چهار فصل و یک بخش دعای خیر و بخشی نیز با عنوان انتقاد است. نویسنده در فصل اول به بیان «صفات پسندیده ایرانیان» می‌پردازد. موضوع فصل دوم مربوط به روایت‌هایی است که اشخاص غیر فرنگی از ترک و عرب و تاتار گفته‌اند. فصل سوم که بیشترین مطالب نسبت به قسمت‌های دیگر را به خود اختصاص داده است (صفحات ۷۳ تا ۱۳۵) به بیان آرای ۲۹ صاحب‌نظر در مورد خلقیات ایرانیان می‌پردازد. نویسنده در این قسمت به بیان انواع خلقیات ناپسند (مثل دروغ‌گویی، دورویی، چاپلوسی، پنهان‌کاری، خودپسندی، فریبکاری، ستم‌گرایی، نادان و خرافاتی بودن، ترس، نداشتن روحیه پژوهش و پیشرفت) و خلقیات مثبت ایرانیان (مثل هوشمندی، خوش‌گفتاری، شهامت، مهربانی، ادب، و بردباری) از نگاه صاحب‌نظران می‌پردازد که قسمت اعظم آن مربوط به خلقیات ناپسند و مقدار اندکی مربوط به خلقیات مثبت است. در فصل چهارم (۱۳۶-۱۵۸) که جمالزاده آن را «آنچه اشخاصی از خودمان ایرانیان در حق هموطنان گفته‌ایم» می‌نامد، به بیان آرای ۱۵ صاحب‌نظر ایرانی چون عبدالله بن مقنع، وحشی بافقی، میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، میرزا آقا خان کرمانی، شاعر قدیمی لادری، میرزا محمد خان قزوینی، سیدحسن تقی‌زاده، ابراهیم خواجه‌نوری، عارف قزوینی، حسنعلی حکمت، و حسن صدر می‌پردازد. در پایان نیز نویسنده نظر خود را بر اساس کتاب‌هایی که به چاپ رسانده، بیان می‌کند.

«جریان آزاد گردآوری فرهنگ عامه بیشتر توسط ادب‌پژوهان انجام گرفت و توسعه یافت. [حسین] کوهی کرمانی^۱ کتاب هفتصد ترانه را تألیف کرد؛ محمد بهمن‌بیگی^۲ عرف و عادات در عشایر فارس را در ۱۳۲۴ منتشر ساخت که یکی از بهترین نمونه‌های تحقیقات مردم‌نگاری آن زمان است و محمود دانشور دیدنیها و شنیدنیهای ایران را در دو جلد در سال‌های ۳۶ و ۳۹ به طبع رساند. سپس باید از دکتر صادق کیا^۳ یاد کرد که واژه‌نامه گرگانی، گویش وفس و

^۱. فوت ۱۳۳۷ یا ۱۳۳۸ هجری شمسی

^۲. تولد ۱۲۹۸ فوت ۱۳۸۹

^۳. تولد ۱۲۹۹ فوت ۱۳۸۰

آشتیان^۱، واژه‌های محلی ایران و واژه‌نامه طبری را عرضه کرد. کیا یکی از چهره‌های برجسته در زمینه زبان‌شناسی زبان عامیانه بود. یحیی ذکا^۲ نیز در دهه سی تحقیقاتی ارزنده انجام داد و کتاب‌های گویش گلین قیه (هرزندی) را در ۱۳۳۶، گویش گرنیکان را در ۱۳۳۲، کولی و زندگی او را در ۱۳۳۷ و لباس زنان اسلامی از سده ۱۳ هجری تا امروز^۳ را در ۱۳۳۶ به چاپ رساند. علی بلوکباشی^۴ در مجله هنر و مردم مقالات ارزنده‌ای را چاپ کرد. صمد بهرنگی^۵، محمود کتیرایی (از خشت تا خشت)، ابوالقاسم فقیری^۶، مهدی آذر یزدی^۷، محمدعلی هبله رودی^۸ (مجمع الامثال)، احمد اخگر^۹، احمد شاملو^{۱۰}، احسان یارشاطر^{۱۱}، ایرج افشار^{۱۲} و بسیاری دیگر در زمینه‌های مختلف فولکلور راهگشا بوده‌اند» (فاضلی، ۱۳۷۶: ۱۳۹ و ۱۴۰).

در همین دوره تک‌نگاری‌ها نیز مورد توجه روشنفکران قرار گرفتند و آثار مشهوری همچون اورازان (۱۳۳۳)، تات‌نشین‌های بلوک زهرا (۱۳۳۵)، جزیره خارگ در یتیم خلیج فارس (۱۳۳۹)، مجموعه مقالات «سفری به شهر یادگیرها» و «مهرگان» و ارزیابی شتابزده (۱۳۴۳) از جلال آل‌احمد، و آثار گمنام‌تری مانند رسوم ایلیاتی از عزیز بختیار سنجابی (۱۳۰۵)، دامغانی‌ها را بیشتر بشناسید از سید شریف آل داوود (۱۳۲۵)، مسئله کردستان از کامران بدرخان (۱۳۲۷)، کردها یا گروهی از ایرانیان از پاک‌نژاد (۱۳۲۷)، ترکمن صحرا از ناصرالدین شاه حسینی^{۱۳} (۱۳۳۲)، تشریفات نامزدی و عروسی در کردستان از عارف احمدی (۱۳۳۸) منتشر شدند که درباره فرهنگ‌های سنتی و بومی ایرانیان انجام گرفته‌اند. این تک‌نگاری‌ها به بررسی و شرح ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی، اقتصادی و معیشتی، روش‌های درمان، پزشکی و طب

^۱ در فاضلی ۱۳۷۶ همین طور است. عنوان صحیح کتاب ظاهراً گویش آشتیان است. توضیح: کتاب گویش آشتیان اثر صادق کیا و کتاب گویشهای وفس و آشتیان و تفرش اثر مهرداد معتمد (محمد مقدم) بوده.

^۲ تولد ۱۳۰۲ فوت ۱۳۷۹

^۳ در فاضلی ۱۳۷۶ همین طور است. عنوان صحیح کتاب: لباس زنان ایران از سده سیزدهم هجری تا امروز.

^۴ تولد ۱۳۱۴

^۵ تولد ۱۳۱۸ فوت ۱۳۴۷

^۶ تولد ۱۳۱۶

^۷ تولد ۱۳۰۱ فوت ۱۳۸۸

^۸ قرن یازدهم هجری [حبله رودی]

^۹ تولد ۱۲۶۷ فوت ۱۳۴۸ هجری شمسی

^{۱۰} تولد ۱۳۰۴ فوت ۱۳۷۹

^{۱۱} تولد ۱۲۹۹ فوت ۱۳۹۷

^{۱۲} تولد ۱۳۰۴ فوت ۱۳۸۹

^{۱۳} تولد ۱۳۰۳ فوت ۱۳۹۵ (همسر مینودخت همایی؛ داماد استاد جلال الدین همایی)

سنتی، ویژگی‌های اجتماعی از جمله قشربندی اجتماعی، ساختار قدرت، جایگاه زنان، وضعیت خانوادگی، همسرگزینی، مراسم جشن و تولد و عروسی، اعتقادات و باورها، خرافات، عزاداری و گردهم‌آیی‌های آیینی، وضعیت سیاسی و حکومتی، تاریخچه، و هنر و ادبیات و سایر ابعاد مختلف زندگی با جزئیات فراوان می‌پردازند و اغلب با استفاده از روش مشاهده مشارکتی و مصاحبه و زندگی با ساکنین منطقه انجام می‌گرفتند.

از جمله کسان دیگری که در زمینه گردآوری فرهنگ مردم و تک‌نگاری کوشیده‌اند می‌توان به صادق همایونی با آثاری همچون ترانه‌هایی از جنوب (۱۳۴۵) و فرهنگ مردم سروستان (۱۳۴۹)، ابراهیم شکورزاده بلوری^۱ دارای اثر عقائد و رسوم عامه مردم خراسان (۱۳۴۶)، ابوالقاسم فقیری صاحب ترانه‌های محلی (۱۳۴۲)، و غلامحسین ساعدی^۲ نویسنده اهل هوا (۱۳۴۵) و خیابو یا مشکین شهر (۱۳۴۳) و ایلخچی (۱۳۴۲) اشاره کرد.

از میان این افراد جلال آل احمد^۳ را می‌توان مهم‌ترین فردی به حساب آورد که در گسترش مطالعات میدانی و پژوهش‌های مردم‌نگاری گام برداشته است. بیش از اهمیت سبک و سیاق کارهای جلال، شهرت وی و تأثیرگذاری او است که نقش تعیین‌کننده را دارد. با جلب توجه روشنفکران و قشر دانشگاهی به آثار جلال، کارهای تک‌نگاری مقبولیت عام یافتند و بیش از سایر آثار توسط مردم خوانده شدند و مورد توجه قرار گرفتند. با وجود رفت و آمدهای جسته و گریخته آل‌احمد به فضای آکادمیک علوم اجتماعی، او را نیز، همچون هدایت، نمی‌توان مردم‌نگار به حساب آورد. اما آثار او همچون آثار هدایت سهم عمده‌ای در گسترش مطالعات میدانی و توجه به فرهنگ عامه و داشتن نگاهی عمیق به جامعه ایرانی داشته‌اند.

در تک‌نگاری‌های اورازان، تات‌نشین‌های بلوک زهرا، جزیره خارگ در یتیم خلیج فارس، جلال سایه روشن زندگی روستاهای ما را ثبت می‌کند و هدفش بازشناسی فرهنگ اصیل بومی و سنتی روستاهای ایرانی است که با هجوم بی‌وقفه فرهنگ ماشینی غرب در حال از بین رفتن است. در بین تک‌نگاری‌های جلال جزیره خارگ نسبت به دو تای دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است. هم با تجربه‌تر شده است و هم به منابع و کتب دیگر سرک کشیده. این کار جلال همان طور که گفتیم باعث رونق مونوگرافی در ایران شد. و افراد زیادی دنباله این کار را گرفتند (دست‌غیب، ۱۳۹۰).

^۱. تولد ۱۳۰۳ تربت حیدریه فوت ۱۳۸۱ مشهد

^۲. تولد ۱۳۱۴ فوت ۱۳۶۴

^۳. سیدجلال الدین سادات آل احمد تولد ۱۳۰۲ فوت ۱۳۴۸

رنگ و بوی توصیفی آثار جلال به‌ویژه با توجه به پیشینه ادبی که دارد وجهه‌ای متمایز به کار او بخشیده‌اند. در پژوهش کیفی همواره استعاره‌ها مهم و لازم شمرده می‌شوند. از آن رو که دستیابی به لایه‌های عمیق‌تری از معنا را برایمان ممکن می‌سازند. استعاره‌ها بیان آنچه را که با زبان عادی نمی‌توان اظهار داشت برایمان ممکن می‌کنند و به احساسات افراد نقب می‌زنند. اما در آثار جلال او با اغراق در این امر، مرز واقعیت و تخیل ادبی را مخدوش می‌سازد. آل احمد در مقدمه تات‌نشین‌های بلوک زهرا (۱۳۳۵) می‌گوید: «سعی کرده است با صرف دقتی که اندکی از حد متعارف بیشتر است مجموعه مختصری فراهم بیاورد حاوی تکاپوی زندگی روزمره مردم ده‌نشین، از آداب و رسوم آنها، از سوگ و سرور گرفته تا لغات و قصه‌ها و متل‌ها و اصطلاحاتشان و از کشت و کار مزرعه گرفته تا تشکیلات اجتماعی به‌خصوصی که دارند.» او همه اهداف را با قلمی شیوا و گیرا به نتیجه می‌رساند.

هرچند که او بیش از آنکه کار خود را علمی بداند آنها را در زمره آثار ادبی برمی‌شمرد، با این حال برخی جامعه‌شناسان به ارزیابی روش‌شناسی آثار او دست زده‌اند و به‌ویژه تکنگرایی‌های او را از جمله آثار مهم اجتماعی برمی‌شمردند. به عنوان مثال عسکری خانقاه و آزاد ارمکی (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با بررسی روش‌شناسی آثار جلال و بررسی میراث او در پژوهش اجتماعی و فرهنگی معتقدند که او در پژوهش اجتماعی به سه اصل توجه می‌کند: (۱) مشاهده، (۲) بهره‌گیری از روش جمع‌آوری اطلاعات در مردم‌نگاری تحت عنوان تکنگرایی، (۳) تبیین پدیده‌های فرهنگی (عسکری خانقاه و آزاد ارمکی، ۱۳۷۷: ۲۵).

برخی نیز آثار جلال را در زمره اولین کارهای اتوبیوگرافی به حساب می‌آورند. یآوری (۱۳۷۹: ۲۹) با اشاره به آثار سنگی بر گوری و شرح احوالات و یک چاه و دو چاره در این رابطه می‌گوید:

«نوشته‌های آل احمد درباره خودش نه تنها در سنت جافتاده روایت رویدادهای زندگی در ایران — وقایع‌نگاری سیاسی، حدیث نفس، خاطره‌نگاری، و حتی اعترافات سیاسی به گونه‌ای که در دهه‌های اخیر می‌بینیم — نمی‌گنجد، بلکه از نخستین نمونه‌های اتوبیوگرافی به عنوان یک ژانر مدرن غربی در ایران است.»

او همیشه در مطالعات خویش به دنبال فهم مسائل بزرگ در مکان‌های کوچک (مثل روستا) بود. رویکرد انتقادی و نگاه عمیق و تیزبین او در فهم و توصیف امور جایگاه خاصی در مطالعات فرهنگی و اجتماعی به او بخشیده است (مولایی، ۱۳۹۶: ۶).

با این حال نقدهای بسیاری نیز به کارهای او وارد است. زبان عامیانه، نقدهای فرهنگی گاه بی‌پشتوانه، و جهت‌گیری سیاسی دائمی او که بر تمام آثارش سایه انداخته است، تا حد زیادی میان آثار او و کار مردم‌نگاری علمی فاصله می‌اندازد و همان گونه که او خود نیز می‌پذیرد آنها را در دسته آثار ادبی جای می‌دهد. اگرچه طی سال‌های پیش پیرامون نقش اجتماعی جلال و رنگ و بوی جامعه‌شناختی کارهای او مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده، اما آل احمد در وهله اول نویسنده‌ای است که همه چیز را در خدمت آرمانگرایی‌ها و دیدگاه‌های سیاسی خویش قرار می‌دهد.

نخستین گام‌ها برای نهادینه ساختن پژوهش (کیفی)

نخستین گام‌های مردم‌شناسی ایران در سال ۱۳۱۶ به همت جمعی از علاقه‌مندان، همچون محمدعلی فروغی^۱، رشید یاسمی^۲، سعید نفیسی^۳، علی هانیبال^۴، مسعود کیهان^۵، و خواجه نوری^۶ در فرهنگستان ایران برداشته شد.^۷ این افراد با برگزاری جلساتی تصمیم به تأسیس مرکزی با عنوان «مؤسسه مردم‌شناسی» یا همان «بنگاه علمی مردم‌شناسی» گرفتند که در این راستا تنها توانستند «موزه مردم‌شناسی» را با مقدار وسایل موجود راه‌اندازی کنند. چرا که پس از چندی دیگر جلسات کمیسیون آنها تشکیل نشد (دقتی نجد، ۱۳۸۷: ۵۰).

این دوره از پژوهش کیفی در ایران را می‌توان تلاش برای پژوهش‌های حرفه‌ای مردم‌نگارانه نام‌گذاری کرد. اغلب برنامه‌ریزی‌های رسمی این دوره برای انجام کارهای مردم‌نگارانه با شکست مواجه شد و در عوض آثاری همچون نیرنگستان و خلیات ما ایرانیان و تکنگاری‌های نویسندگان و اهل ادب مورد توجه قرار گرفت. در این دوره پروژه‌های کلانی در جهت شناخت بیشتر فرهنگ، آداب و رسوم، تاریخ، و شیوه زیست ایرانیان در نهادهایی همچون فرهنگستان ایران و موزه ملی مردم‌نگاری با همکاری سایر کشورها و دعوت از مستندسازان خارجی و حضور مردم‌نگاران غیر ایرانی تعریف شد. مهم‌ترین این پروژه‌ها تهیه اطلس مردم‌نگاری یا نقشه فرهنگی کشور بود. در این برهه روش اصلی مورد توجه برای جمع‌آوری داده‌ها مشاهده

^۱ تولد ۱۲۵۶ فوت ۱۳۲۱ هجری شمسی

^۲ تولد ۱۲۷۵ فوت ۱۳۳۰

^۳ تولد ۱۲۷۴ فوت ۱۳۴۵

^۴ فوت ۱۳۴۰

^۵ تولد ۱۲۷۲ فوت ۱۳۴۶

^۶؟ (ابراهیم خواجه نوری؟ تولد ۱۲۷۹ فوت ۱۳۷۰) (عباسقلی خواجه نوری؟ تولد ۱۲۹۴ فوت ۱۳۷۲ (۱۳۷۶؟))

^۷ علی هانیبال و خواجه نوری عضو فرهنگستان ایران نبوده‌اند.

مشارکتی بود که به کمک آن با شکل‌گیری مرکز تحقیقات اجتماعی فصل جدیدی از پژوهش‌های میدانی و کیفی رقم خورد.

اطلس مردم‌نگاری ایران در واقع ایده‌ای بود که تا سال‌ها به حقیقت نپیوست. از اوایل دهه ۱۳۳۰ میان روشنفکران و نویسندگان ایرانی، مطالعات مردم‌نگاری رواج پیدا کرد و به طور رسمی از سال ۱۳۳۵ به بعد با همت علی هانیبال کار موزه مردم‌شناسی و تلاش برای پژوهش‌های میدانی رونق گرفت (رضوانفر، ۱۳۸۷: ۴۴).

مسیر نهادینه‌شده دیگر فعال در این سال‌ها مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بود که به عنوان یکی از اولین پایگاه‌های علمی بررسی‌های مبتنی بر تک‌نگاری، به انتشار بررسی‌هایی از قبیل فشندک (۱۳۴۱) و آلاشت (۱۳۵۰) از هوشنگ پورکریم^۱، یوش (۱۳۴۲) از سیروس طاهباز^۲، ایلخچی (۱۳۴۲) از غلامحسین ساعدی و خیابو یا مشکین شهر از همین نویسنده مبادرت کرد، و از سال ۱۳۴۲ در پی فعالیت‌های اعضای این مؤسسه، مطالعات کیفی وارد مرحله تازه‌ای از رشد شد. در آغاز، مطالعه درباره روستا عمدتاً جنبه‌های فرهنگی را در بر می‌گرفت، و اعضا بیشتر به شیوه‌ای غیر تحلیلی به شرح مسائل فرهنگی، آداب و رسوم، عادات و شیوه‌های زندگی و سکونت مردمان روستایی می‌پرداختند و کمتر به شناخت ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و قشربندی جامعه و نهادها و ارزش‌های اجتماعی و روابط میان عناصر ساختی جامعه توجه داشتند. با تأسیس بخش تحقیقات روستایی در مؤسسه، این حوزه مطالعاتی اهمیت و رونق یافت.

احسان نراقی^۳ (۱۳۷۳) در توضیح هدف از تأسیس مؤسسه تحقیقات اجتماعی می‌گوید:

مؤسسه در ضمن آنکه وظیفه اساسی خود را آموزش اطلاعات و شیوه‌های تحقیق و تربیت متخصصان و محققان برای جامعه ایران می‌دانست، انجام دادن وظیفه مهم دیگری را نیز وجهه همت خود قرار داده بود و آن عبارت بود از تحقیقات نظری و به طور کلی کمک به پیشرفت علوم اجتماعی در جهان. مؤسسه سعی داشت ضمن تحقیقات خود در امور گذشته و حال ایران فرضیه‌ها و نظریه‌ها و اکتشافات دیگر دانشمندان اجتماعی را در جامعه ایران بیازماید و از این راه در پیشرفت علوم اجتماعی شرکت جوید (نراقی، ۱۳۷۳: ۲۰۷ و ۲۰۸).

^۱ تولد ۱۳۱۱ فوت ۱۳۷۳

^۲ تولد ۱۳۱۸ فوت ۱۳۷۷

^۳ تولد ۱۳۰۵ فوت ۱۳۹۱

این پاسخ نراقی به عنوان یکی از پیشگامان مؤسسه تحقیقات اجتماعی به خوبی دلایل چرخش به مطالعه پهنانگر کمی و رواج آنها در سال‌های بعدی فعالیت مؤسسه را نشان می‌دهد. مؤسسه در این دوران پروژه‌های کلانی را با همکاری با نهادهایی همچون شهرداری تهران و بانک سپه عهده‌دار شد و تحقیقات جمعیت‌شناسانه رنگ و بویی متفاوت از سرشماری‌های پیشین به خود گرفت. استفاده از پرسش‌نامه در جمع‌آوری داده‌ها به کرات انجام گرفت و نظرسنجی‌های بسیاری پیرامون مسائل مختلف کشور انجام شد. به این ترتیب نیاز به توسعه و نوسازی مسیر پژوهش‌های اجتماعی را با ابزارهای توصیفی و آماری پیوند زد.

علی‌رغم غلبه این دسته پژوهش‌ها، پیچیدگی برخی میدان‌های پژوهشی و آشکار شدن ضعف‌های برخی پژوهش‌های مبتنی بر پرسشنامه‌های استاندارد، به تدریج فضایی را برای استفاده از ابزارهای جایگزین گشود. برای نمونه احسان الله نراقی در خصوص پروژه‌ای با عنوان «جوانب روانی - اجتماعی مسئله باروری در ایران» توضیح می‌دهد که در پی کم‌شماری دختران زیر یک سال در کشور برای اولین بار از روش مصاحبه و استفاده از نوار کاست برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. به بیان او:

«این تحقیق نشان داد که: «تحقیقات اجتماعی به سبک اروپایی با استفاده از پرسش‌نامه باز و سؤالات مشخص بعد هم یک جواب کوتاه آری یا نه، اصولاً کاربرد ندارد. چرا؟ برای اینکه موانعی وجود دارد که ارتباط بین پرسشگر و پاسخگو را مختل می‌سازد ... این مسئله نشان داد که مسئله روش در جامعه‌ای نظیر جامعه ما چقدر اهمیت دارد. یعنی یکسره نمی‌شود آن روش‌های به کار رفته در جوامع دیگر را که مردم به آن روش‌ها عادت دارند در اینجا به کار برد» (همان: ۲۴۰).

نراقی به خوبی به این نکته اشاره می‌کند که روش‌های یکسان و قالبی و استاندارد برای همه مکان‌ها، زمان‌ها، فرهنگ‌ها، و افراد کاربرد ندارد و اگرچه مصاحبه‌ها گاه تمهیدی برای مواجهه با چالش بیسوادی و یا کم‌سوادی گسترده در جامعه هم به شمار می‌رفت، با این حال نراقی به دلالت‌های معرفت‌شناختی آن نیز واقف بود.

نراقی همچنین در کتاب علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن در خصوص تحولات علوم اجتماعی و به تبع آن تأثیری که بر پژوهش اجتماعی گذاشته می‌گوید:

«من در سال ۱۳۳۷ با همکاری و همت دوستان و حمایت معنوی زنده‌یاد دکتر غلام‌حسین صدیقی، مؤسسه تحقیقات اجتماعی را راه‌اندازی کردم. در این مؤسسه به صورت جدی به تحقیقات عملی و پیمایشی روی آوردم و محققین شایسته‌ای هم از خارج دعوت کردیم تا

به جوانان ما طرز رفتن به روستا و مطالعه عشایر را آموزش دهند. این همکاری بسیار مناسب بود و جوانان ایرانی در این زمینه بسیار آموختند. ولی خود من پس از ۱۲ سال تجربه، وقتی در ۱۳۴۹ به یونسکو رفتم و مسئول جوانان شدم، تحت تأثیر فضای عمومی قرار گرفتم و متوجه شدم که موازین دیگری مطرح است و بنابراین شروع کردم به نوشتن کتاب غربت غرب و آنچه خود داشت... و طمع خام که هیچگونه ربطی به تحقیقات کاربردی و کلاسیک جامعه‌شناسی نداشت. در همه اینها نوعی تفکر آزاداندیشانه فلسفی بود که با هیچ‌یک از معیارهای قبلی مصداق پیدا نمی‌کرد و من مثل یک فردی بودم که درون یک حصار بود و حصار را می‌شکند و به بیرون می‌آید. چنان‌که بسیاری از دوستان به من می‌گفتند که تمام رشته‌هایی را که بافته بودی پنبه کردی. من به آنها می‌گفتم که این طوری نیست. من تحقیقات کاربردی را لازم می‌دانم اما کافی نمی‌دانم. چراکه مشاهده می‌کردم جامعه مورد مطالعه ما دچار تحول شده است. بنابراین نمی‌شود ملاک‌های قبلی را مورد بهره‌برداری قرار داد.» (۱۳۷۹: ۴۲۵-۴۲۶)

این بازاندیشی به‌خوبی شکاف علوم اجتماعی نوپای ایرانی و فاصله آن از مفهوم‌سازی و بنیان‌های نظری کلاسیک آن را نشان می‌دهد. بنیان‌های جامعه‌شناسی کلاسیک و امدار سنت‌های تعامل‌گرا (مثلاً مکتب شیکاگو) و یا تفسیری (ملهم از زیمل^۱ و وبر^۲) و قبل از آن سنت تأویل ديلتای^۳ بود.

ناصر تکمیل همایون^۴ نیز در خصوص دیدگاه‌های نراقی در این کتاب به شکلی ضعف‌های پژوهش‌های توسعه‌گرا و آمارزده را یاد آوری می‌کند و می‌نویسد: «حسان نراقی پس از ذکر مقدمه‌ای بر علوم اجتماعی و فلسفه آن از انقلاب کبیر فرانسه بدین سو، دامنه سخن را به زمان حال و پست مدرنیسم رسانده است. در این گفتار «دید محدود و یک‌بعدی مدرنیسم به فرد و جامعه»، «جزم‌اندیشی در فرآیند مدرنیستی شناخت» و «ناکامی در ایجاد جامعه موعود» مورد بحث قرار گرفته است.» (۱۳۷۹: ۳۷۹).

^۱. Georg Simmel (1858—1918)

^۲. Maximilian Karl Emil Weber (1864—1920)

^۳. Wilhelm Dilthey (1833—1911)

^۴. تولد ۱۳۱۵

مرحله رونق پژوهش‌های کیفی توصیفی

در سال‌های دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰ شمسی، پژوهش کیفی در ایران در قالب مردم‌نگاری‌های توصیفی ادامه یافت. در این دوره آثاری حجیم و با جزئیات فراوان و به شیوه‌ای کاملاً توصیفی در خصوص شیوه زندگی ایرانیان، عقاید و خرافات، روابط اجتماعی، آداب و رسوم و مانند آن نگاشته شد که در آنها نشانه‌های اندکی از تلاش برای دستیابی به معنا و تلاش برای ارائه تصویری از جهان‌بینی و فهم چرایی هر یک از این موارد و یا تشریح چگونگی شکل‌گیری این آداب و رسوم به چشم می‌خورد. آثاری همچون از خشت تا خشت از محمود کتیرایی (۱۳۴۸)، اهل هوا (۱۳۵۵) از غلامحسین ساعدی، بلوط (۱۳۴۸)، خرابه‌های دهدشت، مشک، و شب صلح از نادر افشار نادری^۱ خلق شدند که این قبیل آثار به توصیف و بازنمایی دقیق برش‌هایی از فرهنگ و قومیت‌های مختلف ایرانی می‌پرداختند.

از سوی دیگر در این مقطع با فعالیت تحصیل‌کردگان ایرانی در خارج از کشور در رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی و گرایش‌های مختلف آن پژوهش‌های کیفی توصیفی (که همچنان مردم‌نگاری صورت غالب آن به شمار می‌رفت) نیز ساختار علمی‌تری یافت و از قالب آثار ادبی، نقد اجتماعی، تک‌نگاشت‌های ادبی، مطالعات توصیفی فرهنگ عامه و تاریخ‌نگاری خارج شد. میل به مشاهده طولانی و توصیف عمیق و از درون میدان (و راویان) فرصتی برای تولید مفاهیم و انتقال تجربیاتی بود که پیش از این چندان جدی گرفته نمی‌شد.

در سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ مرکز پژوهش مردم‌شناسی اداره فرهنگ عامه یا اداره فرهنگ عامه در وزارت فرهنگ و هنر راه‌اندازی شد. این مرکز برای نخستین بار پژوهش‌های نسبتاً گسترده‌ای را در روستاها و در میان ایلات و عشایر آغاز کرد. در همین ایام مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در دانشگاه تهران تشکیل شد ... همچنین در کنار مراکز فوق می‌توان از مراکز علمی دیگر (همچون مرکز فرهنگ مردم) و اشخاصی که به انجام پژوهش‌های مردم‌نگاری و جمع‌آوری اطلاعات در زمینه فرهنگ‌های بومی و سنتی ایران پرداختند، سخن به میان آورد (دقتی نجد، ۱۳۸۷: ۵۶).

تحول دیگر در این دوره جست‌وجوی علمی‌تر تحقیقات و خروج بیشتر از فضای ادبی روزگار آل احمد است. در همین دوره است که تک‌نگاری‌های مستند و مشهوری همچون «تک‌نگاری طالب آباد» (۱۳۴۵)، «بررسی اجتماعی و اقتصادی سی سخت بویراحمد» (۱۳۴۷)، «بنه» (۱۳۵۱) از جواد صفی نژاد و «مونوگرافی ایل بهمئی» (۱۳۴۷) «مستندنگاری بلوط» (۱۳۴۸)، «خرابه‌های دهدشت» (۱۳۴۶) «باشت و بابوئی» (۱۳۴۷)، «چرام، ده شیخ حسین»

^۱ تولد ۱۴۰۵ فوت ۱۳۵۸

(۱۳۴۷)، «اطلس ایلات کهگیلویه» (۱۳۴۷) از نادر افشار نادری، «ایل بهمنی» (۱۳۴۴)، «چابهار و بلوچ‌های آن» (۱۳۴۸)، «زایمان» (۱۳۴۴)، «دوالک بازی و تحقیقی در واژه دوال» (۱۳۴۸) «سنگ‌پزی در تهران» (۱۳۴۸)، درویش کردستان (۱۹۷۳) از دکتر علی بلوکباشی منتشر شدند (دقتی نجد، ۱۳۸۷: ۵۷).

به عنوان نمونه‌ای موفق از این دسته پژوهش‌ها می‌توان به کتاب ۷ جلدی حکایت بلوچ از محمود زند مقدم نیز اشاره کرد که از تجربه سفر نویسنده به این سرزمین به عنوان آمارگر و سکونت وی از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ حاصل شده است. این کتاب در واقع دایرةالمعارفی از آداب و عادات، جشن‌ها و سوگواری‌ها، داروهای بومی، گردآوری آب، قاچاق، عروسی، مهر، انتقام‌جویی، قربانی برای باران و جلوه‌های دیگری از فرهنگ بلوچ و مردم آن دیار است. نویسنده دوربین ذهن را آینه‌وار در مقابل مظاهر این فرهنگ نهاده و آن را صادقانه برای خواننده به تصویر کشیده است. با این حال ایده این مطالعه بیش از آنکه با هدف تولید و نگارش اثر علمی (پژوهشی) باشد بر مبنای دین به وطن و گذشتگان و حفظ رسوم و سنن کهن ایرانی به رشته تحریر درآمده است. زند مقدم در مقدمه کتاب و با زبانی شیوا و دلچسب در تنظیم یادداشت‌ها می‌نویسد:

«همه کوشش و قصد و نیت بر آن بود که همان حال و هوایی را تصویر کنم که از همان روز نخست و سفر^۱ نخستین تأثیر را گذارده بود در ذهن و فکر و دیدگاهم، فضای بی‌همتایی که بلوچ در آن نفس می‌کشد، زندگی می‌کند. نه قصد نوشتن رساله‌ای تحقیقی داشتم به رسم اهل مدرسه و سازمان‌های تحقیقاتی، نه تاریخ‌نگاری، نه تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی و از این دست کارها. احساس دین می‌کردم به مردم بلوچ می‌خواستم ادای دین کنم و بس» (زند مقدم، ۱۳۷۰: ۲).

ویژگی شاخص روش کیفی در این دوره توصیف دقیق از پدیده‌هاست. بر خلاف دوره قبل در این دوره تلاش محققان بر دوری از قضاوت و پیش‌داوری (به ویژه آن گونه که در مطالعات خلیقات ایرانیان مرسوم بود)، استفاده از مشاهده‌نامه‌ها، دوری از توصیفات ادبی، و حفظ مرز مردم‌نگاری و ادبیات و شیوه گنجینه‌ای است. به این صورت که محققان در این دوره در تلاش بودند پیش از آنکه جلوه‌های سنت‌ها و آداب و رسوم و فرهنگ هزارساله ایران در اثر نفوذ فرهنگ غرب و سلطه شهرنشینی از بین برود آنها را ثبت و ضبط کنند. بنابراین در این دوره جلوه‌ای از نظریه‌پردازی، گونه‌شناسی، مطالعه فرآیندها و روندها، بررسی‌های تبیینی و مطالعات تطبیقی به چشم نمی‌خورد. بلکه آنچه به‌کرات مشاهده می‌شود ثبت و ضبط وقایع، موقعیت‌های جغرافیایی و فرهنگی، و آداب و رسوم محلی است. در عین حال این پژوهش‌ها

^۱ تولد ۱۳۱۷

مفهوم‌سازی‌های نظری عمیقی ارائه نمی‌کنند، به‌ندرت با متون و منابع جهانی پیوند می‌یابند، و به طور غالب رویکردهای اثباتی را به کار می‌گیرند.

در سال‌های دو دههٔ چهل و پنجاه همکاری‌هایی با سایر کشورها در زمینهٔ پژوهش و مطالعات مردم‌نگاری شکل گرفت که بر روند پژوهشی در سال‌های بعد و مسلط شدن رویکردهای اثبات‌گرایانه بر تحقیقات تأثیری جدی گذاشت. علاوه بر این در این سال‌ها در مراکز مختلف همچون دانشگاه تهران و مؤسسهٔ فرهنگ مردم اولین تلاش‌ها در جهت ترجمهٔ متون روش تحقیق و ارائهٔ روش‌های علمی به دانشجویان و پژوهشگران انجام گرفت.

اگرچه پیش از این تاریخ کتاب‌هایی همچون «متدولوژی تحقیق و مأخذشناسی» (۱۳۳۴) از احمد آرام^۱ ترجمه و ارائه شده بودند؛ اما از سال‌های دههٔ چهل به بعد کتاب‌های مهمی همچون «روش‌های تحقیق در قشربندی و طبقات اجتماعی» (۱۳۴۰) از افشان حسام وزیری^۲ و شاپور راسخ^۳، «فنون تحقیق اتنولوژی» (۱۳۴۱) از اردلان ظفردخت^۴، «نکاتی چند درباره روش‌های تحقیقی» (۱۳۴۲) از عباسقلی خواجه‌نوری^۵، «مسائل انسانی تحقیق در علوم اجتماعی ایران» (۱۳۴۷) از مرتضی کتبی^۶، «مقدمه بر روش تحقیق شهرهای ایران» (۱۳۴۹) از یدالله فرید^۷، «برخی از فنون تحقیق در علوم اجتماعی» (۱۳۵۱)، «ترجمه روش‌های پژوهش در جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی» از ژان کازنو^۸ (۱۳۵۳)، «تحقیق برای تحقیق» (۱۳۵۴) از امیر پیروزان، «روش جدید تحقیق در ایران» (۱۳۵۴) از محیط طباطبایی^۹، «الفبای پژوهش» (۱۳۵۶) از حسن محمدی‌نژاد «روش تحقیق در تاریخ‌نگاری» (۱۳۵۸) از جهانگیر قائم مقامی^{۱۰}، به انتشار رسیدند که اگرچه هیچ‌یک از این آثار به طور مستقیم از تقسیم‌بندی کیفی

^۱ در مهدی‌زاده همین طور است. اما ظاهراً اثر یادشده از دکتر امیرحسین آریان پور بوده و از استاد احمد آرام نبوده.

^۲ فوت ۱۳۷۶

^۳ تولد ۱۳۰۳

^۴ در مهدی‌زاده همین طور است. ظفردخت نام نبوده. نام خانوادگی بوده. ظفردخت ظفراردلان متولد ۱۳۰۳ فوت ۱۳۹۳.

^۵ تولد ۱۲۹۴ فوت ۱۳۷۲ (؟۱۳۷۶؟)

^۶ تولد ۱۳۱۱

^۷ تولد ۱۳۰۸ فوت ۱۳۸۶

^۸ Jean Cazeneuve (1915—2005)

^۹ میرسیدمحمد محیط طباطبایی تولد ۱۲۸۰ فوت ۱۳۷۱

^{۱۰} تولد ۱۲۹۷ فوت ۱۳۶۰

و کمی روش تحقیق سخنی به میان نیاورده و عموماً بر تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات تحقیق متمرکز هستند؛ اما باب پژوهش علمی را در ایران گشودند.^۱

دوره آغاز تفکیک پارادیمی و ترجمه متون تخصصی روش

در دهه ۱۳۶۰ یعنی پس از انقلاب اسلامی و هم‌زمان با شکل‌گیری تغییرات گسترده در سیستم دانشگاه‌های کشور و تلاش برای اسلامی‌سازی کتب علوم انسانی و همچنین نیاز به آثار جدید به عنوان منابع آموزشی، موجی از ترجمه کتب علمی به راه افتاد. این اتفاق به آشنایی بیشتر ایرانیان با شیوه‌های نوین پژوهش و البته مهم‌تر از آن معرفی پارادایم‌های علمی که پیش از آن مورد غفلت قرار گرفته بود منجر شد.

در این دوران با توجه به نیازها و مشکلات برآمده از جنگ، عمده پژوهش‌های کلانی که در کشور توسط وزارتخانه‌ها و پژوهشگاه‌ها و اندیشه‌گاه‌های تازه‌تأسیس‌یافته انجام گرفت به موضوعاتی همچون اقتصاد، سازندگی، توسعه، رفاه، آموزش و پرورش، جمعیت‌شناسی، نیروی انسانی، مدیریت و آمار اختصاص یافت. سال‌های پس از انقلاب شاهد اولویت‌بخشی به رویکردی در پژوهش بودیم که استفاده از علوم انسانی را در خدمت نیازهای کاربردی و توسعه اقتصادی و کمی بعد مهندسی فرهنگی می‌دانست و از این رو استفاده از روش‌های آماری و داده‌های سخت را اولویت می‌بخشید. محمد توکلی طرقي^۲ با تحلیل تاریخی جریان مهندسانه‌اندیشی در سیاست و فرهنگ دوره پس از انقلاب می‌نویسد:

«اشاعه خرد و گفتمان عمرانی در دهه‌های پس از انقلاب نشانه تداوم و گسترش حکمرانی مکانی و مهندسانه است. نقش مهندسان و شرکت‌های عمرانی و پیمانکار در سازماندهی نارضایتی پیش از انقلاب و بهره‌برداری‌های پس از انقلاب از جمله ابعاد ناشناخته انقلاب و بافت قدرت و کلام در جمهوری اسلامی است» (۱۳۹۱: ۱۴).

در این مقطع از آنجا که آمارها امکان مقایسه را به‌آسانی فراهم می‌ساخت برای مقایسه دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی حتی در حوزه‌های فرهنگی نیز بیشترین تأکید بر روی اندازه‌گیری و ارائه آمار بود. به نحوی که می‌توان گفت توجه به کمی‌سازی پژوهش‌ها در این سال‌ها و در پی غلبه رویکرد مقایسه‌ای در فضای پس از انقلاب شدت گرفت. بدین ترتیب با تشکیک و به حاشیه رفتن پارادایم علوم انسانی در سال‌های دهه ۱۳۶۰ و غلبه نگاه ایدئولوژیک

^۱ اسامی کتب روش تحقیق از «کتاب‌شناسی روش پژوهش و تحقیق» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹) استخراج شده‌اند.

^۲ تولد ۱۳۳۶

به این حوزه، جست‌وجو برای قطعیت و رویکرد و روش‌های تضمین‌کننده آن (بویژه مطالعات کمی و آماری) اولویت یافت.

در خلال کشاکش آکادمیک بین توجه به روش کمی و کیفی، با نشر کتاب کندوکاوها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی از فرامرز رفیع‌پور^۱ (۱۳۵۸) گرایش مجدد به روش‌های کمی شکل می‌گیرد. این اثر به واسطه اتکا به مثال‌ها و نمونه‌های ایرانی و تجربیات نگارنده از میدان‌های پژوهشی و تأکید بر روش تحقیق کمی به عنوان علمی‌ترین شیوه پژوهش به‌شدت مورد توجه استادان و دانشجویان قرار گرفت و برای بیش از دو دهه کتابی مرجع و بسیار مهم تلقی می‌شد و زمینه‌ساز شکل‌گیری موج جدیدی از گرایش به روش‌های کمی محسوب می‌شد.

در کنار شکل‌گیری موج قدرتمند پژوهش کمی، در سال‌های دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ حلقه‌های فرهنگی و روشنفکری بسیاری پیرامون چرخش دینی و فرهنگی بیرون از فضای رسمی آکادمیک شکل گرفت و منجر به افزایش توجه از سوی نه تنها روشنفکران بلکه جلب توجه استادان و دانشجویان در حوزه‌های مختلف علمی و محافل دانشگاهی نیز شد. تحولات فوق اگرچه مستقیماً به رونق روش‌شناسی و طراحی کیفی نینجامید اما زمینه‌ساز توجه به روش‌های تفسیری کیفی در سال‌های بعدی شد.

یکی از مهم‌ترین مقالاتی که با موضوع سیر تحولی روش تحقیق، رویکردهای نئوپوزیتویستی، چالش‌های پیش روی روش کمی، مسئله تضاد، دخالت ارزش‌ها در فرآیند پژوهش، اصول روش‌شناسی، مسئله اعتبار و اطمینان در روش‌های مختلف پژوهش و دقت و معنی را مطرح می‌ساخت مقاله «مسئله روش در جامعه‌شناسی» از اروین شویش^۲ اندیشمند آلمانی بود که در سال ۱۳۵۷ توسط منصور وثوقی^۳ ترجمه و منتشر شده است. در این مقاله خبری از تقسیم‌بندی‌های روشی به معنای امروزی نیست، اما دیدگاهی متفاوت از روش تحقیق در جامعه‌شناسی را از منظرگاه‌های متفاوت اندیشمندان پارادایم‌های مختلف جامعه‌شناسی ارائه می‌دهد.

فرنگیس اردلان^۴ استادیار وقت دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نیز با ترجمه مقاله‌ای با عنوان «گونه‌شناسی در بررسی‌های اجتماعی» از آلبر بریمو^۵ در سال ۱۳۵۷ ضمن معرفی

^۱. تولد ۱۳۲۰

^۲. Erwin Kurt Scheuch (1928—2003)

^۳. تولد ۱۳۲۰

^۴. فرنگیس داور دختر علی اکبر داور. متولد تهران ۲۳ ژوئن ۱۹۱۲. فوت هشت اوت ۲۰۰۵ در آمریکا بیمارستان آریلینگتون. پری و نادر فرزندان فرنگیس داور و عباسقلی اردلان هستند.

^۵. Albert Brimo (1914—1990)

مکاتب مختلف جامعه‌شناسی از جمله رویکردهای نئوپوزیتیویستی و ساختارگرا و مارکسیستی به این پرداخت که چگونه گونه‌شناسی به عنوان وسیله‌ای جهت طبقه‌بندی پدیده‌های اجتماعی و کمک به درک و شناخت بهتر این پدیده‌ها همواره کمک حال محققان بوده است.

در این دوران همچنین نمونه‌هایی از تبارشناسی در موضوعاتی همچون «آموزش عالی در ایران» از مجید تهرانیان^۱ در سال ۱۳۵۷ به چشم می‌خورد که ضمن ارائه سیری تکوینی از آموزش عالی در ایران به شیوه فوکویی به ریشه‌یابی و بررسی نابسامانی‌ها و ایرادات آموزش عالی در کشور می‌پردازد.

مقاله «دیوار نوشته‌های انقلاب» از نفیسه بزرگ‌زاده شهدادی و امرالله فرهادی آردکیان^۲ (۱۳۵۸) نیز یکی از اولین مقالات در کشور است که تصاویر را دستمایه پژوهش خود قرار داده است. مقاله فوق این تصاویر را بازتابی از زندگی واقعی مردم شهرها و خلق این آثار را ملهم از حساسیت‌ها و واقعیت‌های زندگی مردم به شمار می‌آورد. نویسندگان با بررسی ۲۰۰ اسلاید از تصاویر ثبت‌شده بر روی دیوارهای شهر هدف خود را کشف قوانین زبان تصویری توده‌های مردم اعلام کرده‌اند. هرچند که محققان در تحلیل داده‌های این پژوهش به طور مداوم به آمار و ارائه یافته‌هایی به صورت کمی می‌پردازند، اما نهایتاً تم‌هایی را همچون روحیه پرخاشگر، روحیه انقلابی، روحیه آرمانگرا، روحیه تمایل به آرامش و آمادگی قبول نظم از این تصاویر ارائه می‌دهند. مقاله «تحقیقات ایرانی: تحلیلی مردم‌شناسی از پیشه‌وری بازار کرمان به روایت وقفنامه گنجعلیخان» از محمود روح‌الامینی^۳ (۱۳۶۴) نیز به شیوه فراتحلیل به بررسی گوشه‌هایی از سنن و فرهنگ گذشته ایران می‌پردازد که به زعم او به بهانه مهم نبودن و یا گرفتن برچسب خرافه به خود مورد غفلت قرار گرفته‌اند. او با بررسی اسناد، نامه‌ها، مقالات، و کتب نوشته‌شده درباره پیشه‌وران بازار کرمان به گونه‌شناسی‌ای از نحوه فعالیت و پیشه و وضعیت بازار آن موقع دست می‌یابد.

در دهه ۱۳۶۰ با شکل‌گیری حلقه کیان سلسله مقالاتی با مضامین روشنفکری دینی، فرهنگی، لیبرالیسم، نقد وضعیت موجود، پلورالیسم و حقوق بشر، ترسیم نسبت دین و دنیا، چگونگی حضور دین در دنیای مدرن، نسبت دین و دموکراسی، دین و تجدد، غرب‌پژوهی و بومی‌سازی علوم، در کیهان فرهنگی و سپس مجله کیان به چاپ رسید. به نظر می‌رسد در این مقطع فضای فکری جامعه از مطالعات روستایی و شهری و مردم‌نگاری و پژوهش‌های توصیفی

^۱. تولد ۱۳۱۶ فوت ۱۳۹۱

^۲. تولد ۱۳۳۵

^۳. تولد ۱۳۰۷ فوت ۱۳۸۹

فاصله گرفت و به تحلیل نظری و فلسفی جریان‌های فرهنگی و سیاسی تمایل پیدا کرد. در پی فعالیت این گروه‌ها موضوعات جدیدی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت که نیاز به روش‌های نوین پژوهش داشت. این یادداشت‌ها و ترجمه برخی متون نظری مربوط به فلسفه قاره‌ای و رویکردهای پست مدرن، بیانگر اشتیاق روزافزون فضای علوم انسانی و اجتماعی ایران به رویکردهای جایگزین اثباتی و نیز تکثر در میدان معرفت‌شناختی پژوهشگران این حوزه بود. با افزایش تعداد این حلقه‌های روشنفکری در کشور و مباحث پیش‌آمده پیرامون آن، با تصویب هیئت دولت، در سال ۱۳۶۰ «مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی» با ادغام چند مؤسسه و مرکز پژوهشی شکل گرفت. در سال ۱۳۷۳ با توجه به غلبه گرایش علوم انسانی در تحقیقات، برای آن عنوان «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» برگزیده شد. شکل‌گیری این مؤسسه نیز خود زمینه‌ساز ورود و ترجمه دیدگاه‌ها و نظریات و روش‌های جدید پژوهش و باعث سامان یافتن گفت‌وگو میان روشنفکران ایرانی با اندیشه‌های مختلف و مکاتب سنتی داخل و خارج ایران شد.

در گزارش پیشرفت «اجرای طرح‌های پژوهشی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در سال ۱۳۶۶» که قدیمی‌ترین سند از طرح‌های فرهنگی و پژوهشی موجود از این مؤسسه است، به برخی عناوین تحقیقاتی با رویکرد کیفی اشاره شده که از جمله آنها «تهیه دانشنامه علوم اجتماعی» است. بر اساس این سند، برای تهیه این دانشنامه علاوه بر تلاش جهت معادل‌یابی برای واژه‌های بیگانه در علوم اجتماعی، از افراد صاحب فن و دانش‌اندوختگان علوم اجتماعی در خصوص معنا و مفهوم هر یک از این واژگان و نیز بیان آرا و عقاید و تجربیات مهم و اساسی هر یک از این افراد پیرامون این مفاهیم پرسش به عمل آمده است. همچنین دیدگاه‌های انتقادی در خصوص این مفاهیم مد نظر قرار گرفته است. در این گزارش اگرچه مستقیماً سخنی از روش‌های کیفی پژوهش به میان نیامده، اما در طراحی این پژوهش با فراتر رفتن از روش‌های کمی مرسوم، بر استنباط و تفسیر شخصی و حرفه‌ای متخصصین نسبت به فضای مفهومی واژگان و سازه‌های علوم اجتماعی با توجه به تجارب آموزشی و پژوهشی آنها و نیز بستر و موقعیت محلی به کارگیری این مفاهیم، تأکید شده است. در بخشی از این گزارش طرح‌های تحقیقی همچون «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زبان» که تأکید آن بر بررسی زبان در بافت فرهنگی آن است و «گردآوری و بررسی گویش شهر ساری» به عنوان نخستین مطالعات کیفی پژوهشگاه پس از انقلاب معرفی شده است.

با این حال، در آن سال‌ها همچنان آثار معدودی را می‌شد یافت که از رویکردهای کیفی بهره گرفته و به دنبال ارائه فهمی از لایه‌های عمیق معنایی در فرهنگ روزمره زندگی افراد و

اعتقادات و آیین و رسوم و مانند آن بودند. از نمونه‌های متفاوت در سنت اتنوگرافیک می‌توان به کتاب نامه کمره (هشت در به هشت منظر از هفت هزار خوان) (۱۳۶۹) مرتضی فرهادی^۱ اشاره کرد که ابتدا در دو جلد در سال ۱۳۶۹ منتشر شد. این کتاب که در چاپ‌های بعدی با نام کمره نامه: هشت در به هشت منظر از هفت هزار خوان با زیرعنوان «هشت ریزمردم‌نگاری از فرهنگ فرادادی مردم کمره (شهرستان خمین)» منتشر شده است، به نسبت رنگ و بویی متفاوت از سایر آثار دارد و نشان می‌دهد حتی کوچک‌ترین جزئیات نیز می‌توانند در دل خود با اهمیت‌ترین و عظیم‌ترین پیامدها و دلایل را به دنبال داشته باشند و خواننده را با زوایای ظریفی از زندگی، فضاها، عاطفی، دانش و کنش و منش، آرزوها و تخیلات و به ویژه زنان روستایی کمره آشنا می‌سازد. فرهادی در مقدمه آخرین تجدید چاپ کتاب به تأسی از لوییس هنری مورگان^۲ (۱۸۸۱-۱۸۱۸) انسان‌شناس بنام آمریکایی، ثبت و ضبط فرهنگ سنتی و زندگی اجتماعی آنها را پیش از آنکه خیلی دیر شود وظیفه حتمی خود می‌انگارد (به نقل از فرهادی، ۱۳۹۵: ۹).

شکل‌گیری تفکرات پست مدرن

محمد مددیپور^۳ (۱۳۸۱) در خصوص ورود و شکل‌گیری تفکرات پست مدرن در ایران که در دهه ۱۳۶۰ مشخصاً توسط روشنفکران خارج از دانشگاه مورد توجه قرار گرفت و مطرح شد، می‌گوید:

«در حقیقت در دو دهه قبل از انقلاب (۱۳۳۷ - ۱۳۵۷ / ۱۹۵۸ - ۱۹۷۹) بحران جهانی معنویت و ورشکستگی ایدئولوژی‌های ناسوتی لیبرال و سوسیال، موجی از اندیشه‌های بازگشت به خویشتن و بومی‌انگاری فرانتس فانون^۴ و امه سزر^۵، جنبش‌های دانشجویی چپ فرانسه، پست مدرنیسم منتقد مدرنیته و تفکر خلاف آمد عادت و معنوی‌ماترین هایدگر^۶، نظریه انحطاط تمدن غرب اشپینگلر^۷ و توین

^۱. تولد ۱۳۲۳

^۲. Lewis Henry Morgan

^۳. تولد ۱۳۳۴ فوت ۱۳۸۴

^۴. Frantz Omar Fanon (1925—1961)

^۵. Aimé Fernand David Césaire (1913—2008)

^۶. Martin Heidegger (1889—1976)

^۷. Oswald Arnold Gottfried Spengler (1880—1936)

بی^۱، فنومنولوژی و منطق هرمنوتیک هوسرل^۲ و دیلتای و فوکو^۳ و گادامر^۴ و دیگران، سنت‌انگاری رنه گنون^۵ و شاگردان او مانند بوآرا^۶ کهارت^۷ و کوماراسوامی^۸ و خیزش بسیاری از عرفان‌های شرقی کهن در غرب و توجه به فرهنگ و هنر معنوی شرق و غرب که هر یک نمایندگان آئینه‌وار در ایران داشتند ایجاد کرد که در این دوران همگی حکایت مضاعف از بحران جهانی می‌کردند. در این اوضاع لیبرالیسم کلاسیک و مارکسیسم ارتدکس دچار خفقان شده بودند و اندیشه‌های نومارکسیستی ژان پل سارتر^۹ و لوکاچ^۹ و پوزیتیویست‌ها و امثال آنها، نمی‌توانست کمکی به بن‌بست و انحطاط فکر کلاسیک و مدرن غربی بکنند، هرچند برای اکثریت نخبگان چپ روشنفکری ایران، سوسیالیسم هنوز جدی و عمده بود، و در سوسیالیسم متأخر انقلابی چریک‌های فدایی و دیگر جریان‌های چپ نیز نوعی روحیه استقلال‌طلبانه ناسیونالیسم مائوئی - کاسترویی وجود داشت که به همان بومی‌گرایی یا زاد و بوم‌انگاری پست مدرن بازمی‌گردد.»

(مددپور، ۱۳۸۱: ۵)

از دهه ۱۳۷۰ هجری شمسی با ترجمه و انتشار نسل جدیدی از کتاب‌های روش تحقیق، توجه بیشتری به مباحث روش‌شناختی و تکنیک‌های پژوهش اعم از کمی و کیفی معطوف شد و تنوع بیشتری در شیوه‌های پژوهش رایج دانشگاهی در آن مقطع (پیمایش و مردم‌نگاری) ایجاد شد.

در این دوره است که مردم‌نگاری‌هایی همچون تک‌نگاری یک روزنامه: دانش اولین روزنامه فارسی‌زبان برای زنان ایرانی (۱۳۷۳) توسط صدرالدین الهی^{۱۰} انجام گرفت و کم‌کم مباحثی

۱. Arnold Joseph Toynbee (1889—1975)

۲. Edmund Gustav Albrecht Husserl (1859—1938)

۳. Paul-Michel Foucault (1926—1984)

۴. Hans-Georg Gadamer (1900—2002)

۵. René Guénon (1886—1951)

۶. Titus Burckhardt (1908—1984)

۷. Ananda Kentish Muthu Coomaraswamy (1877—1947)

۸. Jean-Paul Charles Aymard Sartre (1905—1980)

۹. György Lukács (1885—1971)

۱۰. تولد ۱۳۱۳

همچون تحلیل محتوا و پدیدارشناسی و اتوبیوگرافی (نه به معنای مدرن روش‌شناختی آن بلکه به منزله زندگی‌نامه‌نگاری‌هایی از خویشتن) مورد توجه قرار می‌گیرند.

با وجود ترجمه و تألیف کتب و مقالاتی پیرامون روش کیفی و انواع آن در سال‌های دو دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ شمسی، مانند رحمت‌الله صدیق سروستانی^۱ (۱۳۶۸)، سید بیوک محمدی^۲ (۱۳۷۱)، پرویز پیران^۳ (۱۳۷۶)، هلن شوشا^۴ (۱۳۷۶)، محسن ثلاثی^۵ (۱۳۷۶)، و تغییر شرایط و بافت اجتماعی در مسیر مطالبه بیشتر مطالعات کیفی، استفاده از روش‌های کمی همچنان با فاصله زیاد غلبه داشت.

با شروع فعالیت مجله ارغنون از بهار ۱۳۷۳ و ترجمه آثار مهمی از فلاسفه و جامعه‌شناسان بزرگ جهان و مورد توجه قرار گرفتن مقولاتی همچون فرهنگ، نقد ادبی، پست مدرنیسم، جهانی شدن، زندگی روزمره، روانکاوی و مانند آن، محققان و اندیشمندان علوم انسانی در ایران به پارادایم‌های تفسیری و پست مدرن و برساخت‌گرا توجه بیشتری نشان دادند و در نتیجه روش‌های جدید پژوهش بیش از پیش مطرح شد. طرح مطالبی همچون هرمنوتیک، نقد روانکاوانه، پساساختارگرایی، واسازی متن، اسطوره‌شناسی، زمان و روایت، چندگانگی قرائت‌ها و مانند آن در این نشریه باب جدیدی را به روی مطالعات علمی و ورود رویکردهای پسااثبات‌گرایانه گشود.

در این دوره مترجمان و جامعه‌شناسان ایرانی به معرفی برخی روش‌های کیفی و تأکید بر نزدیک شدن به فرد و دوری از شیء‌انگاری افراد و پدیده‌های اجتماعی توجه نشان دادند. در این دوره به شکلی محدودیت‌های روش‌های مرسوم و رایج‌تر کمی مورد بحث قرار می‌گیرد و بر محیط طبیعی داده‌ها، تفاوت‌های زمینه‌ای و فرهنگی، تفاوت علوم اجتماعی و علوم طبیعی و تلاش برای دستیابی به عمق وقایع، داشتن نگاهی تاریخی و فرآیندی، وابستگی نظریه و روش به یکدیگر و در مرکز قرار دادن تفاسیر موارد مطالعه تأکید می‌شود. با این حال در دهه ۱۳۷۰ بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده چه در سطح نهادهای رسمی و در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان و چه در مطالعات در مقیاس‌های کوچک‌تر (مثلاً در پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها) غلبه با روش‌های کمی بود. این تفاوت حتی در رشته روانشناسی که به طور سنتی وابستگی بیشتری به پارادایم‌های «علم‌گرایانه» و اثباتی داشته است، بیشتر مشاهده می‌شد. به

۱. تولد ۱۳۲۷ فوت ۱۳۹۲

۲. تولد ۱۳۲۵؟ (۱۳۲۶)

۳. تولد ۱۳۲۹

4. Hélène Chauchat

۵. تولد ۱۳۲۴

نظر می‌رسد که در ایران نیز چرخش تفسیری در روانشناسی با مقاومت‌های بیشتری مواجه بوده است و علی‌رغم آنکه نخستین حساسیت‌های کیفی به فنون و ابزارهای پژوهشی این سنت به سال‌های دهه ۱۹۳۰ و تلاش‌های لازارسفلد^۱ مربوط است (بیلی^۲، ۲۰۱۴: ۱۷۸) در ایران گرایش به این رویکرد تنها در دو دهه اخیر قوت گرفته است.

چرخش فرهنگی و روش کیفی تفسیرگرا

با معرفی رویکردهای تفسیرگرایانه و پساساختارگرا در انجمن‌ها و محافل روشنفکری و فضای دانشگاهی در سال‌های دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ و به رسمیت شناخته شدن تنوع پارادایمی، در سال‌های دهه ۱۳۸۰ متون بیشتری در مورد روش‌ها و تکنیک‌های مختلف کیفی همچون تحلیل گفتمان، پدیدارشناسی، نظریه مبنایی، نشانه‌شناسی، مردم‌نگاری، و تحلیل روایت، ترجمه و روانه بازار شدند. در حال حاضر آثار متعددی از جنس کتاب، پایان‌نامه، مقاله، و مانند آن با استفاده از روش کیفی در میدان‌های دانشگاهی و تا اندازه‌ای در بخش‌های (سازمان‌های) دولتی تولید می‌شود. با ترجمه این آثار، فضای هنجاری آموزش روش در دانشگاه‌ها و گرایش به انتخاب رویکردهای پژوهشی تدریجاً تغییر یافت. تا پیش از این مقطع بیشتر کتاب‌های درسی دانشگاهی مربوط به روش تحقیق بیشتر به روش‌های کمی می‌پرداخت و در بهترین حالت تنها بخشی (به شیوه‌ای تزئینی) به روش‌های کیفی اختصاص یافته بود. با این حال به تناسب تقسیم کار «کمی و کیفی» و در ادامه «ترکیب» شکل گرفته در غرب، کتاب‌های ترجمه‌شده بیشتری در ایران مستقلاً به معرفی و آموزش پژوهش کیفی اختصاص یافتند. از سال‌های پایانی دهه ۱۳۸۰ گرایش به رویکردهای ترکیبی (آمیخته) نیز که با اتکا بر منطق پراگماتیستی به دنبال بهره‌گیری از ظرفیت‌های هر دو سنت کمی و کیفی با سناریوهای مختلف است، شکل‌دهنده بخشی از طراحی‌های پژوهشی در علوم اجتماعی ایران بوده است. در سال‌های اخیر متأثر از برخی جریان‌ها و جنبش‌های اجتماعی، توسعه فضای مجازی، تماس‌ها و ارتباطات بیشتر محققان ایرانی با استادان و محققان خارج از کشور، تقویت انجمن‌های علمی، و نیز ناکارآمدی تجارب حاصل از اجرای برخی پژوهش‌های پیمایشی، استفاده از روش‌های پژوهش کیفی به بیشترین حد خود رسیده است. علاوه بر اختصاص واحد درسی روش تحقیق کیفی در جدول دروس دانشگاه‌ها، امروزه پژوهش‌های بسیاری با استفاده از این روش انجام می‌گیرد و بیش از پیش مورد توجه دانشجویان و استادان کشور قرار گرفته است.

^۱. Paul Felix Lazarsfeld (1901—1976)

^۲. Lawrence F. Bailey

در سال‌های دهه ۱۳۹۰ بیشترین آشنایی و اشتیاق در میان پژوهشگران دانشگاهی نسبت به انواع روش‌های کیفی و طراحی‌های منطبق با آن شکل گرفت به گونه‌ای که گاه به نظر می‌رسد انتخاب این سبک پژوهش بیش از آنکه اقتضای طراحی و سؤال پژوهش باشد، هم‌نوایی با هنجار و مدی آکادمیک است. این جاذبه و روند سبب شده برچسب‌هایی همچون کوچک، توصیفی، غیر علمی، تعمیم‌ناپذیر، ذهنی، غیر معتبر، سوگیرانه، و موارد مشابه که نوعاً برای مقاومت نسبت به این دسته روش‌ها به کار می‌رفت، به حاشیه رود.

رونق فزاینده روش‌های کیفی در ایران و به‌کارگیری طراحی‌های متنوع برای انجام آن معلول زمینه‌ها و شرایطی است که هم به سیاست دانشگاهی و هم فضای عمومی نگرش به علوم انسانی و اجتماعی و تحولات آن مربوط است. در سطح کلان، این چرخش برخی زمینه‌های مشترک با متن غربی و شرایط و تحولات ملهم از جهانی شدن دارد. چرخش فرهنگی و زبان‌شناختی (که خود وامدار چرخش‌های معرفت‌شناختی در ساحت اندیشه نظری است)، پیچیدگی میدان‌های فرهنگی زیست امروز انسان‌ها به‌ویژه در میدان‌های کلان‌شهری، ظهور و تقویت جنبش‌های جدید اجتماعی و صورت‌های جدید مشارکت‌جویی (نوعاً در پیوند با رشد تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی)، از آن جمله‌اند. با این حال در سطح محلی اقبال به این پژوهش‌ها به درجاتی برآمده از ناکارآمدی بسیاری از پروژه‌های کمی‌گرا در طراحی پژوهش‌ها، پدید آمدن مسائل و دستور کارهای جدید در علوم اجتماعی ایران، توجه بیشتر به سوژه‌های در حاشیه و کم‌قدرت، توسعه نهادین علوم اجتماعی ایرانی، و تنوع در علائق و زمینه‌ها و سبک‌های پژوهشی پژوهشگران نیز می‌باشد. به این ترتیب بر خلاف متن و میدان غربی که در آن «مراحل تحول پژوهش کیفی» (به تعبیر دنزین و لینکلن^۱، ۱۹۹۸) پیوندی عمیق با پشتوانه‌های فلسفی و تحولات نظام دانش و کاربست‌های تجربی علوم اجتماعی می‌یابد، تحولات روش‌شناختی در بستر علوم اجتماعی ایرانی را بیشتر با منطق پیشامدی و مصلحتی و تحولات و تفکیک نهادین می‌توان توضیح داد.

بسیاری از طراحی‌های کیفی پژوهشی سنخیت زیادی با مسئله و چهارچوب مفهومی (نظری) همراه آن ندارند. اغلب این پژوهش‌ها با تلاش ناکافی در جمع‌آوری اطلاعات میدانی عمیق، به توصیف‌های رقیق و گاه کلیشه‌ای ختم می‌شوند و وفادار به عنوان و طراحی پیشنهادی خود نیستند. به این ترتیب، در تناقض آشکار، کیفیت پژوهش‌های کیفی همچنان قربانی رشد کمی آنها شده است. پژوهش‌های کیفی به تنوع بخشیدن سبک‌های پژوهش، و بُرد بیشتر علوم اجتماعی، و البته دموکراتیک شدن فرآیند پژوهش آن کمک کرده است، با این

^۱. Norman K Denzin & Yvonna S. Lincoln

همه، سطحی‌نگری در مواجهه با آن و آموزش ناکافی زمینه‌ساز نگرانی‌های جدی در خصوص کارایی و نقش آن در پیشبرد علوم اجتماعی را فراهم ساخته است. البته این نگرانی منحصر به ایران نیست و با شرایط و تجربه‌ای متفاوت ظهور جنبش‌ها و روندهای درون‌دانشگاهی یا برون‌دانشگاهی جست‌وجوکننده منطق و روش‌شناسی‌های بدیل، در شکل دقیق خود برای بیش از چهار دهه مطرح بوده‌اند. طرح ایده‌ها و فلسفه‌هایی چون «ضد روش» (فایریند^۱، ۱۹۷۵) عبور از روش (مابعد روش) (لا^۲، ۲۰۰۴)، روش‌های ابداعی (لوری و ویکفورد^۳، ۲۰۱۲)، روش‌های متحرک (بوشر^۴ و همکاران، ۲۰۱۰)، و تخیل روش‌شناختی (لاین و باسفیلد^۵، ۱۹۹۶)، اگرچه ریشه‌های عمیقی در نظریه اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم و برای نمونه آرای اندیشمندانی چون سی‌رایت میلز^۶ دارد، با این حال تراکم توجه به آن به شکلی بیانگر محدودیت‌ها و گاه بحران‌های پیش رو در علوم اجتماعی معاصر است. منتقدین با تشکیک در کارایی روش در توصیف و فهم جهان اجتماعی به ضرورت بازاندیشی جدی در روش‌ها برای ارائه اندیشه و ارتباط و عمل نو و گاه به آنارشیسم روش‌شناختی برای فارغ کردن محقق از فرمالیسم روش‌شناختی و محدودیت‌های مرتبط با آن توصیه دارند. منتقدین با طرح اتهام بر ساختن جهان اجتماعی با وساطت ابزارهای روش‌شناختی و عرضه توصیف‌های مخدوش از آن، سلطه روش (چه کمی و چه کیفی) در شکل فعلی را تثبیت‌کننده دستورکارها و تولید معرفت خاصی می‌بینند که به جای شناخت اصیل واقعیت به ارائه یافته‌های تکراری و کلیشه‌ای و فاقد پیچیدگی و ظرافت در روابط و عواطف انسانی می‌انجامند. از نظر آنها «روش‌های تحقیقی که ما وارث آن هستیم مبتنی بر فرض‌هایی هستند که بر اساس آن جهان را باید به عنوان مجموعه‌ای از فرآیندهای خاص و معین و کمابیش قابل شناخت پنداشت» (لا، ۲۰۰۴: ۶). به همان سان توصیه برخی از منتقدین تأکید بیشتر بر تجارب حسی (عاطفی)، و بدنمند کردن تجربه پژوهش، و پذیرش سیاست تکرر و تنوع و پیچیدگی فراوان متن‌های اجتماعی است که محققین به آن علاقه‌مندند. آنچه به طور غالب در این جریان‌های جدیدتر روش‌شناختی مورد تأکید است (بر خلاف برخی تلقی‌های شتاب‌زده، ساده‌انگارانه، مغرضانه، و البته حاشیه‌ای در ایران که آشنایی با روش و کاربرد آنها را از اساس زیر سؤال می‌برند)، نفی منطق روش‌های موجود و یا غیر قابل استفاده نبودن آنها نیست؛ بلکه بیشتر انعطاف و خلاقیت

^۱ Paul Feyerabend

^۲ John Law

^۳ Celia Lury & Nina Wakeford

^۴ Monika Büscher

^۵ E. Stina Lyon & Joan Busfield

^۶ Charles Wright Mills (1916—1962)

و وسواس در کاربرد روش‌ها و اصالت دادن به خلاقیت و نوآوری محقق در کاربرد آنها به فراخور میدان و مسئله پژوهش است. منتقدین قائل به این هستند که «روش‌های تحقیق باید جهان اجتماعی را آن چنان که به وقوع می‌پیوندند، درک کنند» (لوری و ویکفورد، ۲۰۱۲: ۲) و نه به مثابه ابزاری بیرونی و ناظر بر تجربه‌ای (واقع‌های) ثابت.

در هر حال اگر ملاحظات طرح‌شده را برای کاربست بازاندیشانه و دقیق و متعهدانه در سنت کیفی به کار بریم و از روش‌زدگی و دنبال کردن مکانیکی و غیر خلاقانه چهارچوب‌های روشی پرهیز کنیم، این پژوهش‌ها می‌توانند سهم بیشتر در تولید اندیشه و حساسیت‌های نظری و ارائه دانش تجربی و سیاستی بر عهده گیرند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش کردیم تاریخچه‌ای کوتاه از شرایط ظهور و فرایندها و تحولات پژوهش کیفی در متن جامعه ایرانی به دست دهیم. نشان دادیم که تحولات روش‌شناختی در ایران بیش از آنکه برآمده از متن تاریخی، علمی، اجتماعی، و فرهنگ جامعه ایرانی باشد پاسخی تأخیریافته به اقتضانات تفکیک اجتماعی و تقسیم کار آکادمیک و تنوع ذائقه‌ها و سلیقه‌ها به تناسب تحولات در سیاست پژوهش در علوم اجتماعی جهانی بوده است. البته این تحلیل به معنای نادیده گرفتن برخی زمینه‌های محلی و ظرفیت‌ها و مسیرهای ریشه‌دار در فرهنگ و تاریخ و امکان استفاده از ظرفیت آنها برای پیشبرد دانش اجتماعی نیست. به طور خلاصه تحول روش‌شناسی را می‌توان به دوره‌های ادبیات اجتماعی (تحلیل اجتماعی از طریق ادبیات)، اتنوگرافی‌های توصیفی غیر نظری، اتنوگرافی‌های تحلیلی - نظری، و دوره تنوع طراحی‌های کیفی تقسیم‌بندی کرد. روند و شرایط موجود پژوهش کیفی و تنوع شکل‌گرفته از بستر ملی و فراملی تأثیرات آشکاری را پذیرفته است. چرخش فرهنگی و توسعه رویکردهای پست مدرن، رواج مصرف‌گرایی و توجه بیشتر به انتخاب سبک زندگی، توسعه ارزش‌های فردگرایانه، ظهور جامعه شبکه‌ای و تحولات مشابه الزاماً توسعه روش‌شناسی‌هایی تفریدی^۱ را به دنبال خواهد داشت. به همان سان توسعه فضای پژوهش کیفی نیز به نوبه خود تقویت جریان‌های فوق را به دنبال دارد. به این ترتیب تکثر روش‌شناختی در فضای کنونی علوم اجتماعی ایران آشکارا دلالت‌های سیاسی و سیاستی را هم در میدان نهادین دانشگاه و هم در متن کلان آن به همراه خواهد داشت. در مجموع فارغ از کاستی‌ها و نقدهای جدی که بر کیفیت و اثر بخشی پژوهش‌ها و روش‌شناسی کیفی در ایران امروز وارد است، تفکیک روش‌شناختی فی‌نفسه تحولی

^۱. ideographic

مثبت به شمار می‌رود. تقدم یافتن مسئله و موضوع پژوهش به روش، و دموکراتیک شدن نسبی فضای پژوهش، و تعدیل مواضع متصلب و استانداردها به روش‌شناسی علوم اجتماعی، از جمله دستاوردهایی محسوب می‌شوند که در صورت همراه شدن با ابتکار و اعتنا به نوآوری‌ها و خلاقیت روش‌شناختی برآمده از فرهنگ و تاریخ و شرایط زیست انسانی در ایران، می‌توانند نویدبخش شکوفایی بیشتر پژوهش کیفی باشند.

منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۹۱). *ارزیابی ستابزده*، چاپ هفتم. فردوس.
- آل احمد، جلال (۱۳۷۸). *اورازان*. تهران: فردوسی.
- آل احمد، جلال (۱۳۷۹). *تات‌نشین‌های بلوک زهرا*. تهران: انتشارات فردوسی.
- آل احمد، جلال (۱۳۸۳). *جزیره خارگ دَر یتیم خلیج فارس [نسخه اینترنتی]*. مجید.
- اشرف، احمد (۱۳۸۸). «سابقه خاطرنگاری در ایران»، *بخارا*، بهمن و اسفند، شماره ۷۴: ۳۴۰-۳۶۳.
- افشار نادری، نادر (۱۳۴۶). *خرابه‌های دهدشت*. مستند.
- افشار نادری، نادر (۱۳۴۸). *بلوط*. مستند.
- افشار نادری، نادر (۱۳۴۷). *مونوگرافی ایل بهمنی*. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، بازنشر: انتشارات خجسته، بازنشر ۱۳۹۱.
- الهی، صدرالدین (۱۳۷۳). «تک نگاری یک روزنامه: دانش اولین روزنامه فارسی‌زبان برای زنان ایرانی»، *مجله ایران‌شناسی*، سال ششم، شماره ۲۲: ۳۲۱-۳۴۴.
- بریمو، آلبر (۱۳۵۷). «گونه‌شناسی در بررسی‌های اجتماعی»، ترجمه فرنگیس اردلان، پژوهشکده، سال دوم، شماره بهار، شماره ۱: ۳۷-۴۲.
- بزرگ‌زاده شهدادی، نفیسه؛ فرهادی آردکپان، امرالله (۱۳۵۸). «دیوار نوشته‌های انقلاب»، نامه نور، شماره بهمن، شماره ۶ و ۷: ۱۵-۳۳.
- بلوکباشی، علی (۱۳۴۴). «ایل بهمنی»، *مجله هنر و مردم*، شماره ۳: ۱۵-۳۰.
- بلوکباشی، علی (۱۳۴۸ چ). «چابهار و بلوچ‌های آن»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال شانزدهم، شماره ۵ و ۶، پیاپی ۶۹ و ۷۰: ۵۱۳-۵۳۹.
- بلوکباشی، علی (۱۳۴۸ د). «دوالک بازی و تحقیقی در واژه دوال»، *مجله هنر و مردم*، شماره ۸۹: ۲۸-۴۴.
- بلوکباشی، علی (۱۹۷۳). *دراویش کردستان (به زبان انگلیسی و نسخه فارسی)*، مستند، با همکاری گروه واحد فیلم‌های مردم‌نگاری گرانا، لندن.
- بلوکباشی، علی (۱۳۴۴). «زایمان»، *پیام نوین*، شماره ۷ و ۸: ۷۱-۸۳.

- بلوکباشی، علی (۱۳۴۷ و ۱۳۴۸). «سنگک پزی در تهران»، مجله هنر و مردم، اسفند ۱۳۴۷ و فروردین ۱۳۴۸، شماره ۷۷ و ۷۸: ۴۷-۵۱.
- پواریه، ژان (۱۳۷۰). *تاریخ مردم‌شناسی*، مترجم پرویز امینی. تهران: خردمند.
- پیران، پرویز (۱۳۷۶). «سنجش‌های نامزاحم و بدون تصدیح»، نمایه پژوهش، شماره تابستان، شماره ۲: ۳۰-۳۶.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۹). «نگاهی به تحقیقات اجتماعی در ایران»، بخارا، شماره ۱۵: ۳۷۳-۳۹۶.
- توکلی طرقي، محمد (۱۳۹۱). «مهندسانه‌اندیشی و ولایت‌مداری مجتهدسانه»، *ایران نامه*، سال ۲۷، شماره ۲ و ۳: ۳۸-۴۰.
- تهرانیان، مجید (۱۳۵۷). «آموزش عالی در ایران»، پژوهشکده، سال دوم، شماره ۳: ۴۵-۶۹.
- ثلاثی، محسن (۱۳۷۶). «نقش مردم‌نگاری در تحقیقات اجتماعی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره پاییز، شماره ۲: ۱۶۹-۱۸۰.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۴۵). *خلفیات ما ایرانیان*. آلمان: نوید.
- دست‌غیب، عبدالعلی (۱۳۹۰). *نقد آثار جلال آل احمد*. تهران: خانه کتاب ایران.
- دقتی نجد، محمدصادق (۱۳۸۷). *قلمرو و موضوعات مردم‌نگاری، جلد اول: مردم‌نگاری روستایی و ایلی*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری میراث فردا.
- دوورژه، موریس (۱۳۷۵). *روشهای علوم اجتماعی*، ترجمه خسرو اسدی. مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ذکایی، محمدسعید (با همکاری محدثه امیری مقدم) (۱۳۹۹). *هنر انجام پژوهش کیفی: از مسئله‌یابی تا نگارش*. تهران: آگاه.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۱). «نظریه و روش در تحقیقات کیفی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۱۷: ۴۱-۶۹.
- رضوانفر، مرتضی (۱۳۸۷). «شناخت اقوام ایرانی در بستر پژوهش‌های مردم‌شناسی»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره شهریور، شماره ۶: ۴۳-۴۷.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۴). «تحقیقات ایرانی: تحلیلی مردم‌شناسی از پیشه‌وری بازار کرمان به روایت وقفنامه گنجعلیخان»، *آینده*، سال یازدهم، شماره تیر و مرداد، شماره ۴ و ۵: ۲۴۳-۲۵۱.
- رئیس السادات، تهمینه (۱۳۹۶). «خاطره نگاری در تاریخ معاصر ایران با تکیه بر خاطره‌نویسان دوره محمدرضا شاه پهلوی»، *تاریخ شفاهی*، سال سوم، شماره بهار و تابستان، شماره ۱: ۱۰۴-۸۸.
- زند مقدم، محمود (۱۳۷۰) *حکایت بلوچ: سیری در احوال اهل بلوچستان، شهرها، دیها، آب‌ها، کرانه‌ها*. چاپ کارون.
- شوشا، هلن (۱۳۷۶). «مشاهده در حین مشارکت»، مترجم مرتضی کتبی، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دانشگاه علامه، شماره پاییز، شماره ۹: ۱۶۹-۱۹۱.
- شویش، اروین (۱۳۵۷). «مسئله روش در جامعه‌شناسی»، ترجمه منصور وثوقی، پژوهشکده، سال دوم، شماره بهار، شماره ۱: ۶۳-۷۵.

- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۶۸). «مطالعه موردی»، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، جلد اول، شماره ۲، ۱۳۱-۱۴۸.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۴۷). بررسی اقتصادی و اجتماعی سی سخت بویر احمد. دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۵۱). بنه. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۴۵). مونوگرافی ده طالب آباد. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- طالقانی، محمدعلی (۱۳۷۹). «نقد و بررسی کتاب (حکایت بلوچ - دکتر محمود زند مقدم)»، مجله ایران‌شناسی، سال دوازدهم، شماره تابستان، شماره ۴۶: ۴۲۷-۴۳۷.
- عسکری خانقاه، اصغر؛ آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۷). «سهم جلال آل احمد در شکل‌گیری پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ایران (پژوهشی در جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ادبیات)»، نامه علوم اجتماعی، بهار و تابستان، ویژه مردم‌شناسی، شماره ۱۱: ۹-۳۰.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۷۶). «مروری بر سیر مردم‌شناسی در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، پاییز، شماره ۹، ۱۱۷-۱۴۲.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۹۵). کمره‌نامه (هشت در به هشت منظر از هفت هزار خوان). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی (ره).
- قانع‌ی راد، سیدمحمدامین (۱۳۹۷). اخلاقیات شعوبی و روحیه علمی: روایتی تاریخی از رشد و افول علم تجربی در ایران قرون سوم تا پنجم هجری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کتیرایی، محمود (۱۳۷۵). زبان و فرهنگ مردم. تهران: انتشارات توکا.
- گزارش پیشرفت اجرای طرح‌های پژوهشی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۶. <https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/353061>
- مارشال، کاترین؛ راس‌من، گرچن ب. (۱۳۸۱) روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- محمدی، سید بیوک (۱۳۷۱). «روش‌شناسی مردمی»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه، شماره ۳ و ۴: ۲۶۹-۲۷۷.
- مددپور، محمد (۱۳۸۱). «نیم‌نگاهی به جریان پست مدرن در تفکر معاصر ایران»، کتاب نقد، شماره ۲۲: ۵.
- مولایی، مهرداد (۱۳۹۶). «سبک زندگی در آثار جلال آل احمد (مورد مطالعه: دید و بازدید عید، خانم زهت الدوله و لاک صورتی)»، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، دوره ۲: ۱-۱۸.
- مهدی‌زاده، حسین (۱۳۸۹). «کتاب‌شناسی روش پژوهش و تحقیق»، نشریه معرفت، شماره ۵۵: ۱۱۲-۱۲۰.
- نراقی، احسان (۱۳۷۹). علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن، ویرایش دوم. تهران، نشر و پژوهش روز.

نراقی، احسان (۱۳۷۳). نظری به تحقیقات اجتماعی ایران. تهران، نشر سخن.
هدایت، صادق (۱۳۱۰). اوسانه. تهران: باز نشر انتشارات معین و فرهنگ نشر نو.
هدایت، صادق (۱۳۱۸). ترانه‌های عامیانه (فرهنگ عامیانه مردم ایران). باز نشر شده در نشر چشمه، ۱۳۹۵.

هدایت، صادق (۱۳۱۲). نیرنگستان. تهران: انتشارات جاویدان.
همایونی، صادق (۱۳۷۱). فرهنگ مردم سروستان. ناشر: آستان قدس رضوی، به‌نشر.
یاوری، حورا (۱۳۷۹). «تأملی در «غرب‌زدگی» و پیوند آن با خودزندگینامه‌های جلال آل‌احمد»، مجله گفتگو، زمستان، شماره ۳۰: ۳۷-۶۳.

- Bailey, Lawrence F. (2014). "The origin and success of qualitative research", *International Journal of Market Research*, Vol. 56 (2), 167-184.
- Büscher, Monika; Urry, John; Witchger, Katian (eds) (2010). *Mobile Methods*. London: Routledge.
- Denzin, Norman K; Lincoln, Yvonna S. (1998). *The Landscape of Qualitative Research*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Feyerabend, Paul (1975). *Against Method: Outline of an Anarchistic Theory of Knowledge*. London, Verso.
- Jovanović, Gordana (2011). "Toward a social history of qualitative research", *History of the Human Sciences*, 24 (2): 1-27
- Law, John (2004). *After Method: Mess in Social Science Research*. London: Routledge.
- Lury, Celia; Wakeford, Nina (2012). *Inventive Methods: the Happening of the Social*. London: Routledge.
- Lyon, E. Stina; Busfield, Joan (eds) (1996). *Methodological Imaginations*. London: Macmillan.
- Nerlich, Brigitte (2004). "Coming Full (Hermeneutic) Circle: The Controversy about Psychological Methods", Pp. 17-36 in: Zazie Todd, Brigitte Nerlich, David D. Clarke, Suzanne McKewon (eds), *Mixing Methods in Psychology: The Integration of Qualitative and Quantitative Methods in Theory and Practice*. New York: Taylor.
- Savage, Mike; Burrows, Roger (2007). "The Coming Crisis of Empirical Sociology", *Sociology*, 41 (5), 885-99
- Smith, Roger (1997). *The Fontana History of the Human Sciences*. London: Fontana Press.